



موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی
The Institute for Trade Studies & Research

ریسک تجارت و امنیت غذایی در جهان درس‌هایی برای ایران

معاونت پژوهشی

مدیریت یکپارچه‌سازی سیاست‌ها

سیرانه‌گذاری برای تولید

نهمین ماه ۱۴۰۴





فهرست مطالب

چکیده	۵
۱. ریسک تجارت و امنیت غذایی در جهان و ایران	۱۴
۱-۱. بازانديشي در امنيت غذايي در عصر بحران چند وجهي	۱۳
۱-۱-۱. از کارایی ایستا تا ضرورت تاب‌آوری	۱۴
۱-۱-۲. تحلیل امنیت غذایی در عصر «بحران چندوجهی»	۱۳
۱-۱-۳. هدف و نقشه راه گزارش	۱۴
۲-۱. کالبدشکافی ابعاد نوین ریسک تجاری	۱۵
۲-۲-۱. ریسک‌های ژئوپلیتیکی و سیاستی در عصر رقابت‌های راهبردی	۱۷
۲-۲-۲. ریسک‌های ساختاری بلندمدت و پیامدهای ناخواسته جهانی شدن	۱۸
۲-۲-۳. ریسک‌های خرد در معماری قدرت تجارت مدرن	۱۹
۳-۱. مکانیسم‌های انتقال ریسک: از شوک جهانی تا بحران خانوار	۲۰
۳-۱-۱. کانال اول: سرایت از طریق اقتصاد کلان	۲۰
۳-۱-۲. کانال دوم: تجلی بحران در سطح خرد و انسانی (بحران استطاعت‌پذیری)	۲۴
۴-۱. نقد پارادایم سنتی: چرا سیاست‌های فعلی تولید و تجارت در مهار ریسک قابل اعتماد نیستند	۲۵
۴-۱-۱. نقد سیاست داخلی: ناکارآمدی «حمایت‌کوری» از تولید	۲۵
۴-۱-۲. نقد سیاست خارجی: تله «حمایت‌گرایی بحران‌زا»	۲۶
۵-۱. تدوین پارادایم جدید: به سوی تاب‌آوری هوشمند	۲۷
۵-۱-۱. ستون اول: تقویت تاب‌آوری در مبدأ (سرمایه‌گذاری در تولید داخل هوشمند)	۲۷
۵-۱-۲. ستون دوم: مدیریت ریسک باقی‌مانده (ایجاد ضربه‌گیرهای خارجی و اجتماعی)	۲۹





۳۰	۶-۱. بررسی وضعیت ایران در تغییر پارادایم از الگوی تولید و تجارت موجود در بخش کشاورزی ...
۳۰	۱-۶-۱. چالش‌های گذار کشاورزی ایران به تاب‌آوری هوشمند
۳۴	۲-۶-۱. چالش‌های گذار کشاورزی ایران به تاب‌آوری از جنبه امنیت غذایی
۳۷	۷-۱. جمع‌بندی و پیشنهادات
۳۷	۱-۷-۱. خلاصه استدلال: گذار پارادایمی از کارایی ایستا به تاب‌آوری هوشمند
۳۸	۲-۷-۱. توصیه‌های عملیاتی برای دسترسی مطمئن به غذا

۴۲ منابع و مراجع

۴۲ فهرست پیوست‌ها



چکیده

دوران «جهانی شدن خوش بینانه» که در آن کارایی و حداقل سازی هزینه‌ها مبنای اصلی تصمیم‌گیری بود، به پایان رسیده است. جهان امروز وارد مرحله‌ای از «رقابت استراتژیک» شده که در آن، ریسک از دست رفتن دسترسی به بازارهای جهانی به عامل تعیین‌کننده در الگوهای تولید و تجارت بدل شده است. تحولات اخیر از جمله ظهور ترامپسیسم و جنگ‌های تعرفه‌ای، همه‌گیری کووید-۱۹ و آشکار شدن شکنندگی زنجیره‌های تأمین، جنگ روسیه و اوکراین، بحران‌های اقلیمی و رقابت بر سر منابع و مواد معدنی حیاتی، موجب تغییر رویکرد کشورها از حداقل سازی هزینه تأمین به سمت تضمین دسترسی پایدار و امن به کالاها و منابع راهبردی شده است.

در همین راستا، بازطراحی زنجیره‌های تأمین، تقویت تولید داخلی و گسترش «حمایت‌گرایی استراتژیک» (حمایت هدفمند، هوشمند و موقت) در دستور کار بسیاری از کشورها قرار گرفته است. مطابق بررسی‌ها، کانون اصلی این تحولات، امنیت غذایی است؛ زیرا غذا به دلیل ماهیت حیاتی و غیرقابل جایگزین خود، به یکی از مهم‌ترین ابزارهای فشار و در عین حال آسیب‌پذیرترین مؤلفه امنیت ملی کشورها تبدیل شده است. اهم یافته‌ها با توجه به آخرین گزارش‌های جهانی در حوزه ریسک تجارت و امنیت غذایی به شرح ذیل می‌باشد:

الف. سه‌گانه تحول تجارت، تولید و سیاست‌گذاری:

۱. **تحول تجارت:** «تغییر رویکرد از توجه صرف به کارایی به سمت توجه هم‌وزن به تاب‌آوری»؛ بر اساس این تحول منطق زنجیره تأمین در حال تغییر است. شرکت‌ها و دولت‌ها اکنون به دنبال کاهش ریسک وابستگی به یک منبع خاص (به ویژه اگر آن منبع، یک رقیب ژئوپلیتیکی باشد) هستند. این امر به دو استراتژی اصلی منجر شده است:

◀ **دوست-سپاری:** این مفهوم به معنای انتقال زنجیره‌های تأمین به کشورهای متحد و قابل اعتماد از نظر سیاسی است، حتی اگر هزینه‌ها بالاتر باشد.

◀ **نزدیک-سپاری:** انتقال فرآیندهای تولید به کشورهای همسایه برای کاهش ریسک‌های لجستیکی و ژئوپلیتیکی؛ این تحول به معنای پایان کارایی به عنوان تنها معیار نیست، بلکه به معنای افزودن «تاب‌آوری» به عنوان یک متغیر هم‌وزن در معادلات تجاری است.

۲. **تحول تولید:** بازگشت «تأمین از داخل»؛ مستقیم‌ترین واکنش به ریسک از دست دادن دسترسی، کاهش وابستگی از طریق افزایش تولید داخلی است. این یک اقدام «احتیاطی» برای بیمه کردن کشور در برابر شوک‌های عرضه است.

۳. **تحول سیاست‌گذاری:** ظهور «حمایت‌گرایی استراتژیک»؛ برای دهه‌ها، تعرفه‌ها و یارانه‌ها به عنوان ابزارهای ناکارآمد و مخل بازار تلقی می‌شدند، اما در پارادایم جدید، آنها به عنوان ابزارهای مشروع امنیت ملی بازتعریف شده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهند که در حضور ریسک تجاری، سیاست بهینه برای یک کشور واردکننده، دیگر «تجارت آزاد» نیست، بلکه ترکیبی بهینه از ابزارهای تعرفه‌ای و یارانه‌ای است که کشور بتواند با پرداخت هزینه‌ای اندک در زمان صلح، کاهش کارایی خود را در برابر فاجعه‌ای بزرگ در زمان بحران و قطع دسترسی به کالاهای حیاتی بیمه می‌کند.

ب. نگاهی به یافته گزارش نهادهای بین‌المللی معتبر در خصوص ضرورت در این تحول سه‌گانه:

۱. **واقعیت انکارناپذیر ریسک:** ریسک‌های تجاری (ناشی از ژئوپلیتیک، اقلیم، سیاست‌های ملی) یک ویژگی دائمی و فزاینده در سیستم غذایی جهانی هستند. پارادایم دنیای باثبات و قابل پیش‌بینی به پایان رسیده است.

۲. **ضرورت بازنگری در مفهوم کارایی:** تمرکز صرف بر «کارایی هزینه»، یک کوتاه‌بینی استراتژیک است. در دنیای پرریسک، «تاب‌آوری و اطمینان دسترسی» به اندازه کارایی اهمیت دارند.

۳. **حمایت از تولید داخل:** برخلاف دیدگاه سنتی، حمایت از تولید داخل در یک محیط پرریسک، نه یک اشتباه اقتصادی، بلکه یک واکنش عقلانی و بهینه برای بیمه شدن در برابر شوک‌های خارجی است.



ریسک تجارت و امنیت غذایی در جهان درس‌هایی برای ایران

۴. **مخالفت با روش‌های سنتی حمایت:** این نگرش مهمترین نقطه اشتراک مطالعات مورد بررسی می‌باشد. تمام تحلیل‌ها با روش‌های سنتی حمایت (یارانه‌های قیمتی، حمایت‌های مرزی مخل تجارت) مخالفند. استراتژی بهینه، نه «حمایت کور»، بلکه «حمایت هوشمند» است.

ج. شرایط ایران برای حرکت در مسیر تاب‌آوری هوشمند (تغییر پارادایم در الگوی تولید و تجارت)

برای ایران، ریسک از دست دادن دسترسی به بازارهای جهانی در شرایط تحریم، از یک احتمال به واقعیتی قطعی تبدیل شده است. افزایش هزینه‌های بیمه و ضمانت‌نامه‌های تجاری، هزینه‌های بالای نقل و انتقال پول، وابستگی به واسطه‌ها برای دور زدن تحریم‌ها، همگی بیانگر شکنندگی تجارت خارجی کشور است. افزون بر این، فشارهای تحریمی آمریکا بر روابط سایر کشورها با ایران، پایداری تأمین از مسیر تجارت را با ابهام جدی مواجه کرده و همواره خطر قطع یا اختلال ناگهانی در واردات با هزینه‌های پیش‌بینی‌ناپذیر را افزایش می‌دهد. بعلاوه بخش قابل توجهی از شرکت‌های بزرگ تأمین‌کننده مواد غذایی جهان، مانند کارگیل و بنگه، شرکت‌هایی با مالکیت آمریکایی یا دارای دفاتر اصلی در ایالات متحده هستند و در نتیجه، به شدت در معرض فشارهای سیاسی و تحریمی قرار دارند؛ امری که احتمال قطع یا محدود شدن همکاری آن‌ها با ایران را تشدید می‌کند. در این شرایط، تغییر پارادایم و حرکت به سمت الگوی جدید تأمین و تجارت برای ایران یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. با این حال، بهره‌گیری مؤثر از این تحول مستلزم توجه هم‌زمان به ساختار تولید داخلی و الزامات امنیت غذایی کشور است تا مسیر سیاست‌گذاری با نگاهی جامع، واقع‌بینانه و مبتنی بر اولویت‌های ملی طراحی و اجرا شود.

۱. چالش‌های گذار کشاورزی ایران به تاب‌آوری هوشمند

۴ **چالش‌های فنی و بهره‌وری:** بخش کشاورزی با در اختیار داشتن حدود ۱۷ میلیون هکتار سطح زیرکشت، بزرگ‌ترین مصرف‌کننده آب کشور است، در حالی که بهره‌وری آن پایین باقی مانده است. حدود ۵۰ درصد اراضی زراعی و بیش از ۹۰ درصد باغات به صورت آبی کشت می‌شوند، اما تنها ۱۴ درصد از بهره‌برداران با سامانه‌های نوین آبیاری مجهز هستند. این شکاف، نشان‌دهنده ناکارآمدی ساختاری در مصرف آب و یکی از عوامل اصلی تشدید بحران آب در کشور است. همچنین با وجود سهم حدود ۸۰ درصدی سطح زیرکشت گندم و جو از کل سطح زیرکشت زراعی (۶۵ درصد گندم و ۱۵ درصد جو)، اما حدود ۱۰ درصد کل تولید زراعت به این دو محصول اختصاص دارد که حاکی از پایین بودن عملکرد در واحد سطح این محصولات است.

۴ **چالش ساختار بهره‌برداری و مقیاس:** ساختار خرد و پراکنده مالکیت زمین، یکی از بزرگ‌ترین موانع اقتصادی و فنی در پذیرش فناوری‌های مقیاس‌پذیر و هوشمند است (غلبه خرده مالکی به

طوری که میانگین اندازه زمین هر بهره‌بردار زیر ۳ هکتار است و ۷۶ درصد بهره‌برداران در اراضی کمتر از ۵ هکتار فعال‌اند).

❖ **محدودیت نفوذ تکنولوژی:** به دلیل مقیاس کوچک و عدم صرفه اقتصادی برای سرمایه‌گذاری در تجهیزات گران‌قیمت هوشمند (مانند سنسورها، سامانه‌های پایش از راه دور)، تخمین زده می‌شود که ۵۵ درصد از اراضی زیرکشت آمادگی اقتصادی یا فنی برای پذیرش فناوری‌های بهره‌وری را ندارند. این امر نیازمند مدل‌های تجمیعی و تعاونی کارآمد است. همچنین سهم پایین ۲ درصد فارغ‌التحصیلان کشاورزی در بخش تولید، مانعی جدی در نفوذ دانش فنی و گذار از روش‌های سنتی به سمت رویکردهای دانش‌بنیان ایجاد کرده است.

❖ **چالش‌های کشت و مدیریت منابع خاک:** سیاست‌های کوتاه‌مدت مبتنی بر افزایش تولید در کوتاه‌مدت، منجر به فشار بر منابع طبیعی شده است.

❖ **چالش‌های انسانی و ترویجی (سرمایه انسانی):** ۴۶ درصد بهره‌برداران در بازه سنی ۵۰ تا ۷۵ سال قرار دارند، که نشان‌دهنده عدم ورود نیروی جوان و تحصیل‌کرده به این بخش است. ۶۰ درصد بهره‌برداران یا بی‌سواد هستند یا دارای سواد ابتدایی، که این امر استفاده از پلتفرم‌های دیجیتال و سامانه‌های مدیریت هوشمند را دشوار می‌سازد.

❖ **چالش‌های مدیریتی و حکمرانی:** ماهیت خانوادگی و غیرتخصصی اداره بسیاری از واحدها، اجرای سیاست‌های اصلاحی را پیچیده می‌کند.

❖ **تضاد بین افزایش نهاده و کاهش بهره‌وری:** در حالی که استفاده از نهاده‌ها طی یک دهه اخیر روند افزایشی را تجربه نموده است اما شاخص‌های عملکردی (مانند بهره‌وری کل عوامل تولید) بین ۲۰ تا ۲۵ درصد کاهش یافته‌اند.

❖ **ناکامی حمایت‌های فعلی:** سیاست‌های حمایتی موجود که مبتنی بر مصرف نهاده (توزیع نهاده ارزان) یا قیمت تضمینی هستند، نه تنها محرکی برای تولید بهینه نبوده‌اند، بلکه منجر به استفاده غیربهینه از نهاده‌ها شده‌اند.

۲. چالش امنیت غذایی:

هزینه رژیم غذایی سالم: هزینه رژیم غذایی با افزایش شدید حدود ۴۶ درصد در بازه زمانی ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۴ همراه بوده است. علاوه بر این، جامعه با ناتوانی در تأمین هزینه رژیم غذایی سالم نیز مواجه بوده است؛ به گونه‌ای که در این دوره تقریباً دو برابر شده است (از ۷٫۷ درصد جمعیت در سال ۲۰۱۷ به ۱۴٫۰ درصد در سال ۲۰۲۴ رسیده است). این بدان معناست که تقریباً ۱۲ میلیون نفر توانایی مالی برای خرید مواد غذایی لازم برای یک رژیم سالم را ندارند).



ریسک تجارت و امنیت غذایی در جهان درس‌هایی برای ایران

◀ **شیوع سوءتغذیه (کمبود کالری):** براساس این شاخص، تعداد افرادی که کالری کافی دریافت نکرده‌اند از حدود ۴٫۵ میلیون نفر در سال ۲۰۰۴ به حدود ۶ میلیون نفر در سال ۲۰۲۴ افزایش یافته است.

◀ **ناامنی غذایی متوسط یا شدید:** با وجود بهبود نسبی این شاخص در یک دهه اخیر، اما همچنان بیش از ۳۵٫۲ میلیون نفر با ناامنی غذایی مواجه هستند. تحولات سال ۱۴۰۴ ناشی از افزایش نرخ ارز ترجیحی کالاهای اساسی، به طور یقین این وضعیت را تشدید می‌کند. لازم به ذکر است افزایش ۱۰۰ درصدی نرخ ارز به افزایش ۴۰ درصدی تورم مصرف‌کننده از دو مسیر مستقیم (افزایش قیمت کالاهای وارداتی مصرفی) و غیرمستقیم (افزایش قیمت کالاهای وارداتی واسطه‌ای و سرمایه‌ای) منجر خواهد شد.

۳. تحول تولید، تجارت و سیاست‌گذاری در جهت بهبود امنیت غذایی کشور

◀ **تحول در تولید (تقویت تاب‌آوری داخلی برای کاهش مواجهه با ریسک):** این راهبرد بر کاهش وابستگی به منابع خارجی پرریسک، نه از طریق انزوای تجاری، بلکه از طریق هوشمندسازی و کارآمدسازی تولید داخل، تمرکز دارد. براین اساس تغییر پارادایم در حمایت از کشاورزی با استفاده اقدامات و برنامه‌های ذیل ضروری است:

- گذار از حمایت قیمتی به سرمایه‌گذاری در بهره‌وری
 - ▶ کاهش تدریجی اتکای سیاست‌ها به قیمت‌گذاری دستوری و یارانه نهادها
 - ▶ بازتخصیص منابع حمایتی به کاهش هزینه واقعی تولید
 - ▶ تقویت انگیزه سرمایه‌گذاری بلندمدت در بخش کشاورزی
- تمرکز بر کالاهای عمومی و زیرساختی بخش کشاورزی
 - ▶ برنامه‌های حمایتی از توسعه تحقیق و توسعه کشاورزی با تمرکز بر ارقام مقاوم به خشکی، شوری و تنش‌های اقلیمی
 - ▶ گسترش آبیاری مدرن و ارتقای بهره‌وری مصرف آب و توجیه‌پذیر نمودن استفاده از تکنولوژی‌های مبتنی بر بهره‌وری آب و خاک با تاکید بر تقویت نظام‌های بهره‌برداری مشارکتی و تعاونی محور و الزام به تقویت و شفاف‌سازی قوانین حوزه قراردادها و رعایت حق مالکیت
 - ▶ سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های ذخیره‌سازی، سیلوها و زنجیره سرد برای کاهش ضایعات پس از برداشت
- مدیریت فعال ریسک‌های اقلیمی و تولیدی
 - ▶ استقرار بیمه‌های کشاورزی به منظور جبران سریع خسارت‌ها



ایجاد و تقویت صندوق‌های تثبیت درآمد برای کاهش نوسانات درآمدی تولیدکنندگان

- تقویت سرمایه انسانی

ارتقای نظام ترویج کشاورزی و پیوند آن با فناوری‌های نوین و داده‌محور

ایجاد مشوق‌های اقتصادی، نهادی و مالی برای ورود جوانان و دانش‌آموختگان به بخش کشاورزی

تسهیل انتقال دانش، نوآوری و فناوری به واحدهای تولیدی از طریق تشویق به تولید مشارکتی

◀ **تحول در تجارت:** این راهبرد بر هوشمندسازی روابط تجاری در عصر بحران‌های چندوجهی و استفاده از ظرفیت‌های دوست‌سپاری و نزدیک‌سپاری تاکید دارد.

- **تحول در تجارت از طریق دوست‌سپاری:** باید توجه داشت که ایران خارج از نظم اقتصادی غرب و تحت تحریم‌های گسترده قرار دارد؛ بنابراین «کشورهای دوست‌سپار ایران» الزاماً متحدان رسمی نیستند، بلکه کشورهایی‌اند که یا با ایران همسویی سیاسی دارند، یا در برابر فشار آمریکا انعطاف‌پذیرند، یا منافع اقتصادی‌شان ایجاب می‌کند با ایران همکاری کنند. در این چارچوب، چین قطعاً جزو مهم‌ترین کشورهای دوست‌سپار ایران است. چین شریک اصلی تجاری ایران، خریدار عمده نفت و تأمین‌کننده بسیاری از کالاهای صنعتی و واسطه‌ای است و در عمل نشان داده که حاضر است بخشی از هزینه‌های تعامل با ایران را بپذیرد. با این حال، دوست‌سپاری چین نسبت به ایران کاملاً عملگرایانه و منفعت‌محور است؛ پکن در مواقعی که هزینه‌های تحریمی بالا می‌رود عقب‌نشینی می‌کند و تعهد سیاسی بی‌قیدوشرط ندارد. روسیه نیز در طیف دوست‌سپاری ایران قرار می‌گیرد، اما با ماهیتی متفاوت. روسیه بیش از آنکه شریک اقتصادی پایدار باشد، یک شریک سیاسی-امنیتی است. تقابل مشترک با غرب و تجربه تحریم، زمینه همکاری را فراهم کرده، اما در حوزه‌هایی مانند انرژی، روسیه رقیب ایران است و توان یا تمایل محدودی برای سرمایه‌گذاری بلندمدت و انتقال فناوری دارد. بنابراین روسیه را می‌توان دوست‌سپار سیاسی دانست، نه دوست‌سپار اقتصادی کامل. اما در بخش امنیت غذایی، روسیه به‌ویژه پس از جنگ اوکراین به یکی از تأمین‌کنندگان مهم گندم و غلات ایران تبدیل شده است؛ قزاقستان نیز نقش مکمل دارد. برزیل برای سویا و خوراک دام و هند برای برنج و شکر شرکای مهمی برای ایران هستند. وابستگی اصلی ایران به واردات خوراک دام و نوسانات بازار جهانی، ریسک متوسط اما پایدار ایجاد می‌کند. به طور کلی، سبد دوست‌سپاری غذایی متنوع‌تر از نفت است و انعطاف بیشتری دارد، اما همچنان در برابر شوک‌های بیرونی آسیب‌پذیر است.

- **تحول در تجارت از طریق نزدیک‌سپاری:** اگر این مفهوم را در مورد ایران و با تمرکز ویژه بر امنیت غذایی بررسی کنیم، معیار اصلی کشورها عبارت است از: دسترسی زمینی یا دریایی



ریسک تجارت و امنیت غذایی در جهان درس‌هایی برای ایران

کوتاه، ظرفیت تولید محصولات غذایی یا نهاده‌ها، ثبات نسبی سیاسی و امکان تسویه مالی عملی. در این چارچوب، عراق یکی از مهم‌ترین گزینه‌های نزدیک‌سازی برای ایران است. این کشور بازار مصرف بزرگ و زمین‌های کشاورزی قابل توسعه دارد و در صورت سرمایه‌گذاری مشترک می‌تواند در تولید غلات، سبزیجات و دام نقش مکمل ایفا کند. نزدیکی جغرافیایی، مرز زمینی گسترده و پیوندهای سیاسی مزیت بزرگی است، هرچند ضعف زیرساخت و ناپایداری سیاسی، ریسک‌هایی ایجاد می‌کند. با این حال، برای تولیدات کم‌فناوری و تأمین کوتاه‌مدت غذا، عراق ظرفیت واقعی دارد. قزاقستان و ترکمنستان نیز، اگرچه همسایه مستقیم جنوبی نیستند، اما در منطق نزدیک‌سازی ایران جای می‌گیرند، به‌ویژه در حوزه غلات. قزاقستان یکی از بازیگران مهم تولید گندم و جو است و دسترسی ایران از طریق دریای خزر یا مسیرهای ریلی امکان‌پذیر است. ترکمنستان نیز در محصولات زراعی و دامداری ظرفیت‌هایی دارد. مزیت اصلی این کشورها ثبات نسبی عرضه غلات و فاصله لجستیکی کوتاه‌تر نسبت به بازارهای دوردست مانند برزیل است. پاکستان گزینه مهم دیگری در نزدیک‌سازی امنیت غذایی ایران است. این کشور دارای ظرفیت بالای تولید برنج، گندم، میوه و دام است و مرز زمینی مستقیم با ایران دارد. از منظر ژئوپلیتیکی، پاکستان سیاست موازنه دارد و همکاری غذایی با ایران معمولاً حساسیت کمتری نسبت به حوزه‌های انرژی یا امنیتی ایجاد می‌کند. ضعف زیرساخت و نوسانات سیاسی چالش اصلی است، اما برای کشت قراردادی و تجارت مرزی، پتانسیل بالایی وجود دارد. ترکیه نیز می‌تواند نقش نزدیک‌سازی محدودی ایفا کند، به‌ویژه در صنایع غذایی، فرآوری و ذخیره‌سازی. این کشور زیرساخت کشاورزی و لجستیکی پیشرفته‌ای دارد، اما به دلیل همسویی نسبی با غرب و حساسیت به تحریم‌ها، شریک کاملاً مطمئنی برای تأمین پایدار نیست. بنابراین ترکیه بیشتر برای فرآوری و تجارت منطقه‌ای مناسب است تا تأمین راهبردی بلندمدت غذا. در سطح جنوبی، افغانستان از نظر جغرافیایی بسیار نزدیک است و در محصولاتمانند گندم، حبوبات و دام ظرفیت بالقوه دارد، اما بی‌ثباتی سیاسی، ضعف نهادی و ریسک امنیتی باعث می‌شود نقش آن در نزدیک‌سازی غذایی ایران محدود و پریسک باشد. این کشور بیشتر می‌تواند مکمل مرزی باشد تا ستون اصلی امنیت غذایی.

◀ **تحولات در سیاست‌گذاری:** این راهبرد بر تغییر پارادایم از حمایت هزینه‌گرا به حمایت هوشمند با تأکید بر تاب‌آوری امنیت غذایی تأکید دارد. با توجه به محدودیت‌های مالی دولت، تداوم الگوی فعلی حمایت از بخش تولید و مصرف از منظر پایداری اقتصادی و اجتماعی قابل اتکا نیست. در این چارچوب، گذار به الگوی «حمایت هوشمند از تولید و مصرف» و تقویت تاب‌آوری زنجیره غذا ضروری به



نظر می‌رسد. در خصوص توجه به این راهبرد، ذکر این نکته ضروری است که حتی با بهترین استراتژی تولید داخل، هیچ کشوری نمی‌تواند خود را به طور کامل از بازارهای جهانی جدا کند. همیشه میزانی از ریسک باقی می‌ماند. از این رو در اتخاذ و اجرای این راهبرد موارد زیر توصیه می‌شود:

- حذف تدریجی یارانه‌های کالایی غیرهدفمند:
- کاهش حمایت‌های گسترده‌ای که منجر به اتلاف منابع، تحریف بازار و نابرابری در بهره‌مندی می‌شود.
- جایگزینی با ابزارهای حمایت هدفمند و انعطاف‌پذیر:
- پرداخت نقدی هدفمند به دهک‌های آسیب‌پذیر
- اعتبار خرید برای اقلام غذایی منتخب
- استقرار نظام‌های حمایت شوک‌پذیر برای واکنش سریع به جهش‌های قیمتی
- جهت‌دهی حمایت‌ها به کیفیت تغذیه:
- تمرکز بر بهبود وضعیت تغذیه‌ای گروه‌های حساس شامل کودکان، زنان باردار و سالمندان، به جای تمرکز صرف بر تأمین کالری.
- اتخاذ سیاست تجاری هوشمند و پیش‌بینانه:
- تنوع‌بخشی به شرکای وارداتی برای کاهش ریسک تمرکز
- مدیریت فعال ذخایر استراتژیک کالاهای اساسی
- پرهیز از اعمال ناگهانی محدودیت‌های صادراتی یا وارداتی که به بی‌ثباتی بازار دامن می‌زند
- اصلاح زنجیره ارزش کشاورزی و غذایی:
- کاهش واسطه‌گری ناکارآمد، توسعه قراردادهای کشاورزی، افزایش شفافیت قیمت و بهبود کارایی بازارهای عمده‌فروشی.
- تقویت زیرساخت‌های نگهداری و انبارداری کالاهای کشاورزی برای کنترل ضایعات
- تقویت رویکرد اقتصاد چرخشی و تکنولوژی‌هایی که استفاده از ضایعات محصولات کشاورزی را برای تامین مواد مغذی خاک و یا تغذیه دام و طیور امکان‌پذیر می‌سازد
- تقویت حکمرانی داده و نظام پایش:
- ایجاد داشبورد ملی امنیت غذایی، توسعه سیستم‌های هشدار زودهنگام برای شناسایی شوک‌های قیمتی، اقلیمی و عرضه.
- تقویت هماهنگی نهادی:
- ایجاد یا تعیین مرجع واحد سیاست‌گذاری امنیت غذایی با مأموریت هماهنگی میان بخش‌های کشاورزی، تجارت، رفاه اجتماعی و سلامت.



۱. ریسک تجارت و امنیت غذایی در جهان و ایران

۱-۱. بازاندیشی در امنیت غذایی در عصر بحران چندوجهی

۱-۱-۱. از کارایی ایستا تا ضرورت تاب‌آوری

جهان از ثبات نسبی به دورانی از آشفتگی‌های ساختاری و عدم قطعیت فزاینده گام برداشته است. پارادایم اقتصادی چند دهه‌ی گذشته، که بر آزادسازی تجاری و بهینه‌سازی زنجیره‌های تأمین جهانی برای حداکثر کارایی استوار بود، در پی بحران‌های ژئوپلیتیکی و اقلیمی، شکنندگی عمیق خود را نمایان ساخت. در این معماری آسیب‌پذیر تجارت جهانی، «امنیت غذایی» به عنوان یکی از ارکان اساسی امنیت ملی و انسانی، بیش از هر زمان دیگری در معرض ریسک‌های جدی قرار گرفته است (آداموپولوس و لیووچی، ۲۰۲۵).

بحران کووید-۱۹ (با ایجاد اختلال در لجستیک و بستن مرزها) و جنگ اوکراین (شوک ژئوپلیتیک همزمان بر غذا، انرژی و کود)، عمق مخاطرات ناشی از وابستگی شدید به منابع و مسیرهای تجاری محدود را آشکار ساخت. این رویدادها کانون توجه سیاست‌گذاران را به یک پرسش اساسی معطوف کرد: آیا تمرکز مطلق بر «کارایی» و واردات ارزان، کشورها را در برابر شوک‌های آینده به شکلی غیرقابل قبول آسیب‌پذیر نساخته است؟ در این چارچوب، آیا الگوهای فعلی حمایت از کشاورزی و سطح بهره‌وری در کشورهای واردکننده مواد غذایی (به ویژه کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته) اجازه گذار از پارادایم تجارت حداکثری به سمت بهره‌گیری از ظرفیت‌های تولید داخلی برای تأمین غذا را مهیا می‌سازد؟

حمایت دولتی از کشاورزی داخلی، با وجود بهره‌وری پایین - که در اقتصاد کلاسیک مصداق «ناکامی» بود - اکنون نیازمند بازنگری بنیادین است. این پدیده، در سایه ریسک‌های نوظهور، دیگر نه یک خطای محاسباتی، بلکه یک «واکنش عقلانی» و نوعی «حق بیمه» ضروری برای تضمین «اطمینان در دسترسی» به غذا در دنیای پرنوسان تفسیر می‌شود. این گزارش به واکاوی ابعاد ریسک تجارت، کارآمدی الگوهای حمایتی کشاورزی و جایگاه امنیت غذایی در گزارش‌های نهادهای بین‌المللی می‌پردازد.

۱-۱-۲. تحلیل امنیت غذایی در عصر «بحران چندوجهی»^۱

برای درک عمق چالش کنونی، وام گرفتن مفهوم «بحران چندوجهی» از ادبیات روابط بین‌الملل و گزارش‌هایی مانند برنامه‌های غذایی جهانی ضروری است. این مفهوم به وضعیتی اشاره دارد که در آن بحران‌های متمایز (اقلیمی، ژئوپلیتیکی، اقتصادی) به طور همزمان رخ داده و اثرات یکدیگر را به شکلی غیرخطی تشدید می‌کنند. در این سیستم پیچیده، ریسک تجاری دیگر یک پدیده مجزا نیست، بلکه خود تبدیل به نقطه تلاقی و کانال اصلی انتقال این شوک‌های چندگانه شده است (گزارش وضعیت امنیت غذایی و تغذیه در جهان، ۲۰۲۵).

1. Poly crisis



بحران چندوجهی در امنیت غذایی به صورت سینرژیک (هم‌افزا) عمل می‌کند. به عنوان مثال، یک خشکسالی شدید (بحران اقلیمی) تولید داخلی را به شدت کاهش داده و وابستگی کشور به واردات را افزایش می‌دهد. این وابستگی، همزمان با تنش‌های ژئوپلیتیکی، مسیرهای لجستیک حیاتی را مسدود و هزینه‌های تأمین را سر به فلک می‌کشد. اگر این شرایط با یک رکود اقتصادی جهانی تلاقی کند، قدرت مالی دولت‌ها برای یارانه‌دهی و قدرت خرید خانوارها برای جذب قیمت‌های بالاتر تضعیف می‌شود. این تلاقی چندگانه، یک «طوفان کامل» می‌سازد که اثر نهایی آن به صورت غیرخطی، بسیار فراتر از جمع ساده اثرات هر یک از این مؤلفه‌های منفرد است.

۱-۳. هدف و نقشه راه گزارش

این گزارش به پرسش راهبردی «در عصر بحران‌های چندوجهی، چارچوب بهینه برای سیاست‌گذاری امنیت غذایی در مواجهه با ریسک‌های فزاینده تجاری چیست؟» پاسخ می‌دهد. جهان در حال گذار از یک پارادایم اقتصادی متکی بر ثبات و کارایی ایستا، به دورانی از آشفتگی‌های ساختاری و عدم قطعیت فزاینده است. تمرکز مطلق بر «کارایی هزینه» در تجارت جهانی، آسیب‌پذیری سیستم‌های غذایی را به شکلی غیرقابل قبول افزایش داده است.

این پژوهش با تلفیق دانش نهادهای بین‌المللی و مقالات آکادمیک پیشرو، پارادایم تحلیلی نوین «تاب‌آوری هوشمند» را جایگزین نگاه تک‌بعدی «کارایی هزینه» می‌کند. این رویکرد، گذار از تکیه صرف بر تجارت آزاد به استراتژی مبتنی بر ظرفیت تولید داخلی استراتژیک و مدیریت فعال ریسک خارجی را پیشنهاد می‌دهد. حمایت دولتی از کشاورزی داخلی، که پیش‌تر به دلیل بهره‌وری پایین مورد نقد بود، اکنون نه یک خطای محاسباتی، بلکه یک «واکنش عقلانی» و نوعی «حق بیمه» ضروری برای تضمین «اطمینان در دسترسی» به غذا در دنیای پرنوسان تفسیر می‌شود. این هم‌افزایی بحران‌ها، یک «طوفان کامل» می‌سازد که اثر آن به صورت غیرخطی، بسیار فراتر از مجموع اثرات فردی بحران‌ها است. برای دستیابی به این هدف، ساختار گزارش به شرح زیر تنظیم شده است:

- ◀ بخش دوم، تحت عنوان «کالبدشکافی ابعاد نوین ریسک تجارت»، به تعریف و دسته‌بندی انواع ریسک‌های ژئوپلیتیکی، ساختاری و درون‌زنجیره ارزش می‌پردازد.
- ◀ بخش سوم، با عنوان «مکانیسم‌های انتقال ریسک: از شوک جهانی تا بحران خانوار»، نشان می‌دهد که چگونه ریسک‌های جهانی از طریق کانال‌های اقتصاد کلان و انسانی، امنیت غذایی را در سطح خرد تحت تأثیر قرار می‌دهند.
- ◀ بخش چهارم، با عنوان «نقد پارادایم سنتی»، به بررسی انتقادی سیاست‌های رایج (حمایت کور داخلی و حمایت‌گرایی بحران‌زا) و دلایل ناکارآمدی آن‌ها در محیط جدید می‌پردازد.

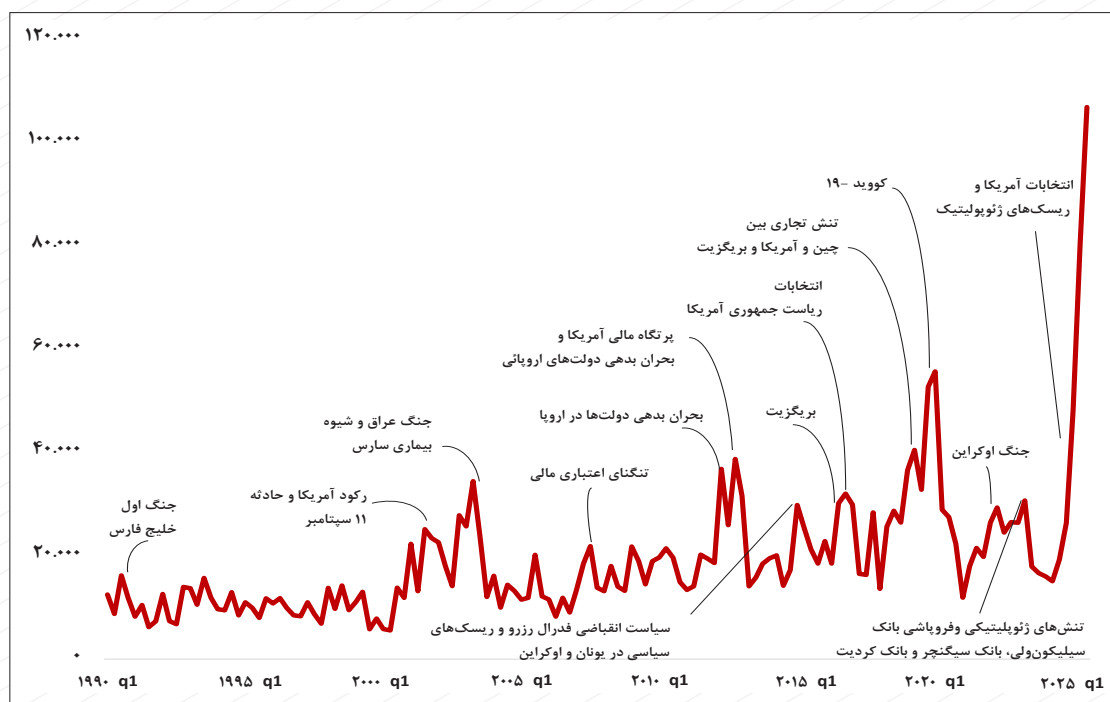


ریسک تجارت و امنیت غذایی در جهان درس‌هایی برای ایران

- بخش پنجم، که فصل مرکزی گزارش است، پارادایم جدید «تاب‌آوری هوشمند» را در قالب یک «استراتژی دو ستونی» (تقویت تولید داخل هوشمند و مدیریت ریسک خارجی) ارائه می‌دهد.
- بخش ششم، با استفاده از آمارهای داخلی و بین‌المللی به تشریح وضعیت ایران در حوزه تولید محصولات کشاورزی و وضعیت شاخص‌های مرتبط با ریسک‌های امنیت غذایی در ایران می‌پردازد.
- بخش هفتم، به جمع‌بندی نهایی یافته‌ها و ارائه یک نقشه راه راهبردی برای سیاست‌گذاران، با نگاهی ویژه به چالش‌های کشورهای واردکننده و با بهره‌وری پایین، اختصاص خواهد یافت.

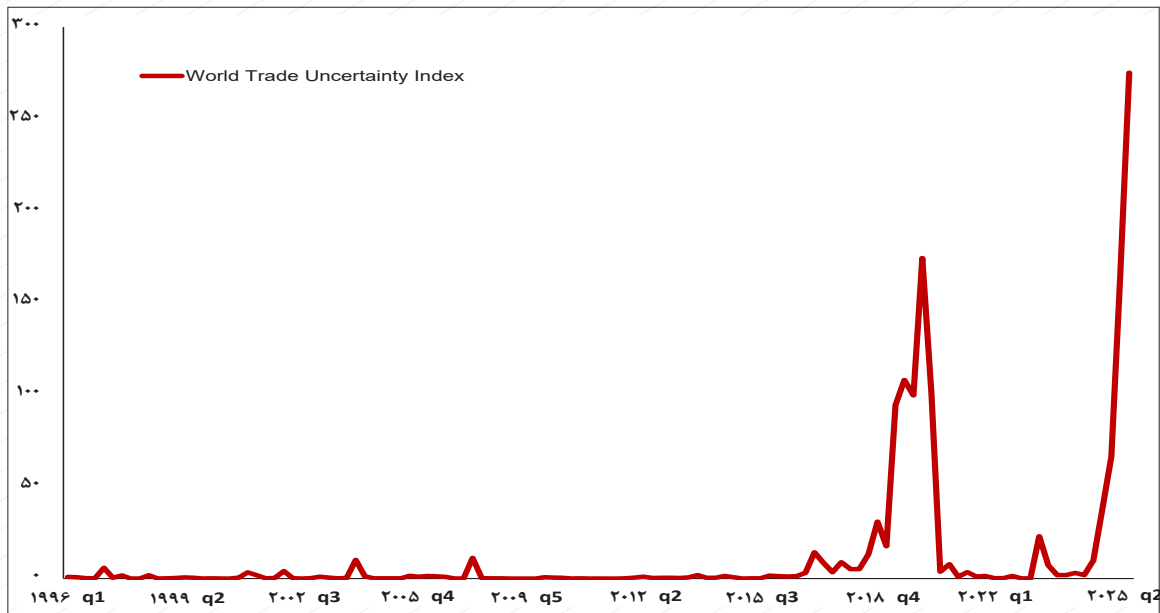
۲-۱. کالبدشکافی ابعاد نوین ریسک تجاری

برای تدوین یک استراتژی مؤثر جهت مقابله با ریسک تجارت، ابتدا باید ماهیت و ابعاد این ریسک را در جهان امروز به درستی شناخت. ریسک تجاری دیگر صرفاً به نوسانات قیمت کالا در بازارهای جهانی یا افزایش تعرفه‌ها محدود نمی‌شود. بحران‌های اخیر نشان داده‌اند که منابع این ریسک، بسیار متنوع‌تر، پیچیده‌تر و ساختاری‌تر شده‌اند. پیروی الگوی ریسک‌های تجاری از ریسک‌های جهانی شاهدهی بر این ادعا می‌باشد که در نمودارهای (۱) و (۲) به استناد مطالعات دفتر ملی تحقیقات اقتصادی (NBER) نشان داده شده است.



نمودار ۱. روند شاخص ریسک جهانی

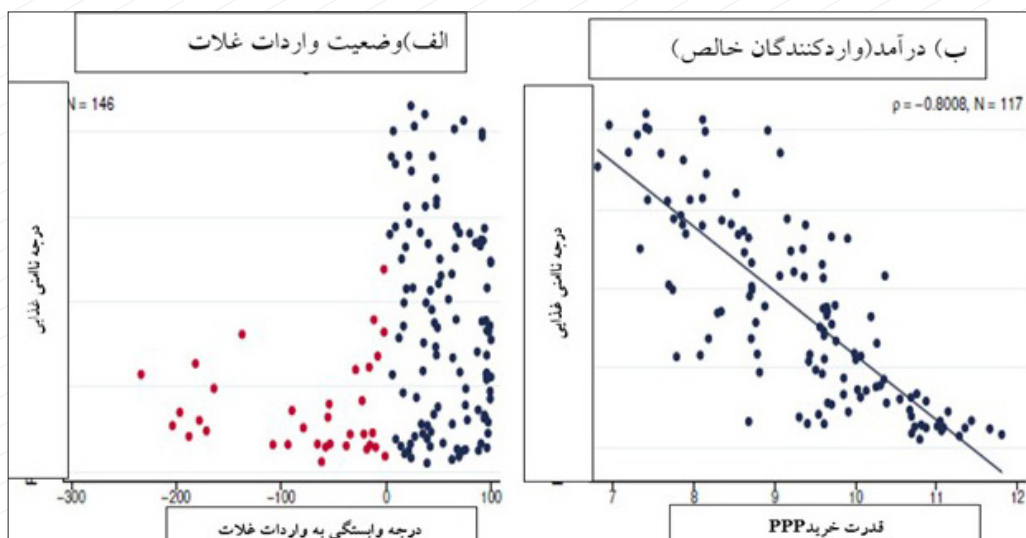




Source: World Uncertainty Index, NBER Working Paper(2025)

نمودار ۲. روند ریسک تجارت جهانی (۱۹۹۶-۲۰۲۵)

همانگونه که در نمودارهای (۱) و (۲) نشان داده شده با افزایش شدید ریسک‌های جهانی، ریسک تجارت نیز به شدت افزایش یافته است. از سوی دیگر بررسی وابستگی به واردات مواد غذایی و کالاهای اساسی رابطه مثبتی را با ریسک ناامنی غذا نشان می‌دهد و البته این ناامنی در کشورهایی که واردکننده خالص مواد غذایی و کالاهای اساسی هستند سطح بالاتری را نشان می‌دهد. بخش (الف) و (ب) نمودار (۳) این روابط را به تصویر کشیده است.



منبع: آداموپولوس و لیوویچی (۲۰۲۵)

نمودار ۳. رابطه ناامنی غذایی با شدت واردات و قدرت خرید



ریسک تجارت و امنیت غذایی در جهان درس‌هایی برای ایران

این فصل با هدف کالبدشکافی این پدیده، ابعاد نوین ریسک تجارت را در سه لایه تحلیلی اصلی مورد بررسی قرار می‌دهد: (۱) ریسک‌های ژئوپلیتیکی و سیاستی که از تصمیمات دولت‌ها و پویایی‌های قدرت بین‌المللی نشأت می‌گیرند؛ (۲) ریسک‌های ساختاری بلندمدت که ناشی از تحولات بنیادین در الگوی تولید و مصرف جهانی هستند؛ و (۳) ریسک‌های خرد در زنجیره ارزش که به معماری قدرت و حکمرانی در زنجیره‌های تأمین مدرن باز می‌گردند.

۱-۲-۱. ریسک‌های ژئوپلیتیکی و سیاستی در عصر رقابت‌های راهبردی

بارزترین و حادث‌ترین منبع ریسک برای امنیت غذایی، تصمیمات سیاسی و تنش‌های ژئوپلیتیکی هستند. این ریسک‌ها، که در گزارش آداموپولوس و لیووویچی (۲۰۲۵) به صورت «شوک‌های تصادفی در هزینه‌های تجاری» مدل‌سازی شده‌اند، می‌توانند جریان تجارت را به سرعت و به طور غیرقابل پیش‌بینی مختل سازند. **تسلیمات سازی اقتصاد:** استفاده از ابزارهای اقتصادی به عنوان سلاح در رقابت‌های ژئوپلیتیکی، ریسکی عمده است. تحریم‌های یک‌جانبه یا چندجانبه، به‌ویژه در حوزه‌های حیاتی مانند بانکداری، بیمه و حمل‌ونقل، توانایی افزایش شدید هزینه‌های تجارت، قطع دسترسی به بازارهای مالی و ایجاد موانع جدی برای کشورهای غیرهدف را دارند.

حمایت‌گرایی بحران‌زا: تمایل روزافزون کشورها به اعمال محدودیت‌های صادراتی بر کالاهای اساسی در زمان بحران، ریسکی بزرگ و فوری برای کشورهای واردکننده است. این سیاست که در گزارش‌های «ریسک تجارت و امنیت غذایی (۲۰۲۵)» و «تجارت و شمول‌گرایی (۲۰۲۴)» به شدت نقد شده، با ایجاد وحشت در بازار، به جهش‌های غیرمنطقی قیمت دامن زده و اعتماد جهانی را فرسایش می‌دهد. با توجه به سهم حدود ۷۰ درصدی ۵ کشور صادرکننده بزرگ محصولات کشاورزی متنوع، این ریسک تشدید می‌شود (به نمودار (۳) برای پیش‌بینی سهم این کشورها تا ۲۰۳۲ مراجعه شود).

تکه‌تکه شدن ژئواکونومیک^۱: بانک جهانی (۲۰۲۴) نسبت به خطر تقسیم جهان به بلوک‌های تجاری رقیب و استراتژی‌هایی مانند «دوست‌گزینی» هشدار می‌دهد. این روند، با محدود کردن تنوع شرکای تجاری و ایجاد انحصار در مسیرهای تأمین، آسیب‌پذیری کشورها را در برابر شوک‌هایی که کل یک بلوک را تحت تأثیر قرار می‌دهند، به شدت افزایش داده و کارایی و تاب‌آوری سیستم جهانی را کاهش می‌دهد.

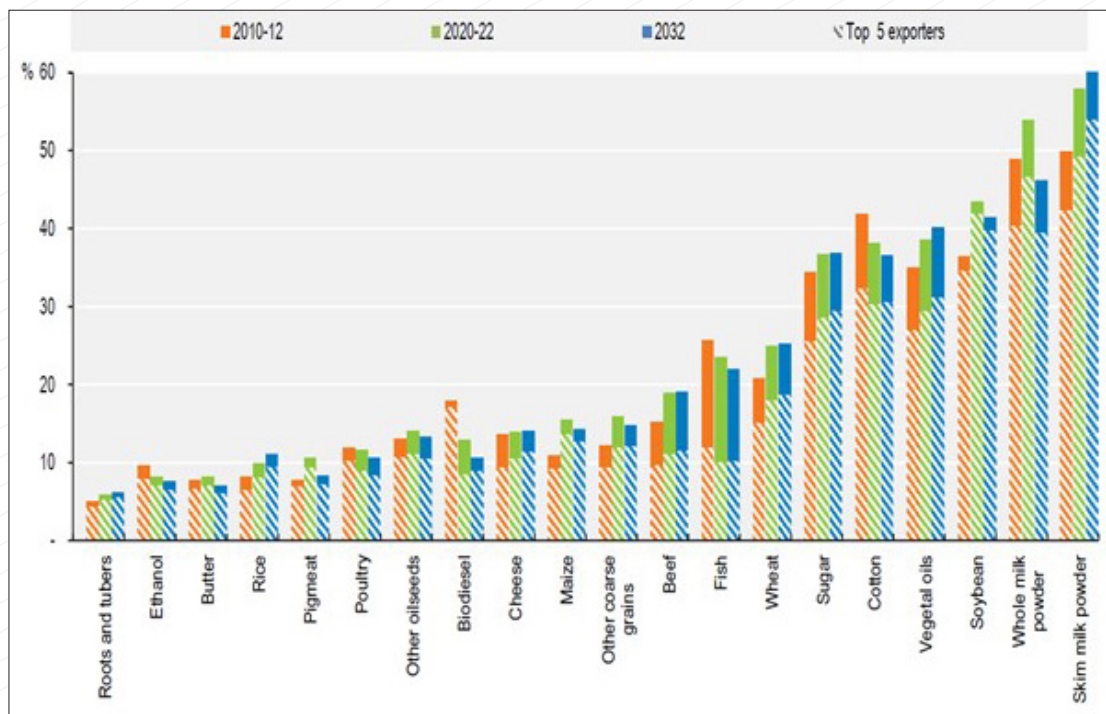
1. Geo-economic Fragmentation

۲-۲-۱. ریسک‌های ساختاری بلندمدت و پیامدهای ناخواسته جهانی شدن

دسته دوم ریسک‌ها، ماهیتی بلندمدت، تدریجی و ساختاری دارند و نتیجه تحولات عمیق در اقتصاد جهانی هستند.

◀ **عدم تقارن جغرافیایی تولید و مصرف:** گزارش چشم‌انداز (۲۰۲۳) مشترک FAO و OECD این پدیده را به وضوح نشان می‌دهد: در حالی که رشد جمعیت و تقاضای آینده برای غذا عمدتاً در آفریقا و آسیا متمرکز است، رشد مازاد تولید به طور فزاینده‌ای در چند منطقه محدود با منابع غنی (به‌ویژه آمریکای لاتین) متمرکز می‌شود. این «عدم تقارن جغرافیایی»، وابستگی ساختاری کشورهای پرجمعیت به واردات را عمیق‌تر کرده و آسیب‌پذیری آن‌ها را در برابر هرگونه اختلال در شریان‌های اصلی تجارت جهانی افزایش می‌دهد.

◀ **آسیب‌پذیری ناشی از تمرکز صادرات:** این وابستگی ساختاری با تمرکز صادرات بسیاری از کالاهای کلیدی (مانند گندم، ذرت، دانه سویا) در دست تعداد بسیار محدودی از کشورها تشدید می‌شود. یک رویداد اقلیمی شدید یا یک تصمیم سیاسی در یکی از این صادرکنندگان کلیدی، می‌تواند کل بازار جهانی را با یک شوک سیستمی مواجه سازد. نمودار (۳) تمرکز صادرات توسط ۵ کشور بزرگ صادرکننده در گروه‌های مختلف کالایی را نشان می‌دهد.



Source: OECD Agriculture statistics (2023)

نمودار ۳. سهم صادرات کالاهای کشاورزی با تاکید بر نقش ۵ صادرکننده برتر

1. Export Concentration



ریسک تجارت و امنیت غذایی در جهان درس‌هایی برای ایران

مطابق نمودار (۳) که تحلیل تمرکز صادرات و پیش‌بینی‌ها را نشان می‌دهد:

◀ **تمرکز بالا:** به‌طور میانگین، ۷۰ درصد واردات گروه‌های کالایی کلیدی نظیر غلات، محصولات پروتئینی و کالاهای اساسی، در اختیار این ۵ صادرکننده اصلی است. این سهم در کالاهایی مانند سویا تا حدود ۹۶ درصد افزایش می‌یابد. کمترین تمرکز نیز مربوط به ماهی (۴۲ درصد) و گوساله (۵۸ درصد) است.

◀ **روند آتی:** برای اکثر گروه‌های کالایی (به استثنای گوشت خوک، اتانول و پودر شیر)، پیش‌بینی می‌شود سهم ۵ صادرکننده برتر در دهه آینده افزایش یابد؛ بیشترین افزایش در حوزه سوخت‌های زیستی مورد انتظار است. به عنوان مثال، سهم ۵ صادرکننده برتر برنج از ۸۰ درصد فعلی به ۸۵ درصد تا سال ۲۰۳۲ خواهد رسید.

▶ **سرایت ریسک از بازارهای انرژی:** گزارش چشم‌انداز (۲۰۲۳) جنبه دیگری از تاثیر ریسک بر امنیت غذایی را از کانال بازارهای انرژی معرفی می‌نماید. در این گزارش اشاره شده، کشاورزی مدرن به شدت به انرژی (برای تولید کود و سوخت) وابسته است. این همبستگی فزاینده، نوسانات بازارهای پریسک انرژی را مستقیماً به بازار غذا منتقل کرده و یک منبع جدید و قدرتمند برای بی‌ثباتی هزینه‌های تولید در سراسر جهان ایجاد نموده است.

۱-۲-۳. ریسک‌های خرد در معماری قدرت تجارت مدرن

دسته سوم ریسک‌ها، که در گزارش «تجارت و شمول‌گرایی چگونه تجارت را برای همه کارآمد کنیم (۲۰۲۴)» به تفصیل بدان پرداخته شده، در سطح خرد و در ساختار داخلی زنجیره‌های ارزش جهانی (GVCs) عمل می‌کنند.

◀ **ریسک حاشیه‌ای شدن تولیدکنندگان داخلی:** زنجیره‌های ارزش مدرن، نیازمند رعایت استانداردهای سخت‌گیرانه، حجم بالا و زمان‌بندی دقیق هستند. کشاورزان خرده‌پا در کشورهای در حال توسعه، که غالباً فاقد دسترسی به سرمایه، فناوری و اطلاعات می‌باشند، در معرض ریسک حذف شدن از این زنجیره‌ها و از دست دادن دسترسی به بازارهای سودآور قرار دارند. این امر، معیشت آن‌ها را تهدید کرده و می‌تواند به تضعیف پایه تولید داخلی کشور منجر شود.

◀ **انتقال نامتقارن ریسک:** در بسیاری از GVCها که توسط خریداران بزرگ چندملیتی (شرکت‌های راهبر) کنترل می‌شوند، بخش عمده‌ای از ریسک‌های قیمتی، کیفی و سیاستی به حلقه‌های ضعیف‌تر زنجیره (کشاورزان و تولیدکنندگان داخلی) منتقل می‌شود. این ساختار قدرت نابرابر، باعث می‌شود منافع تجارت به صورت نامتناسب توزیع شده و بار اصلی ریسک بر دوش بازیگران آسیب‌پذیرتر قرار گیرد.

1. Risk of Exclusion

◀ **معضل «تخصص‌گرایی شکننده»:** تمرکز بیش از حد یک کشور بر تولید محصولات صادراتی برای GVCها، می‌تواند به قیمت غفلت از تولید کالاهای اساسی برای امنیت غذایی داخلی تمام شود. این امر، کشور را برای تأمین نیازهای پایه جمعیت خود به واردات وابسته کرده و در برابر شوک‌های تجاری کلاسیک، به شدت آسیب‌پذیر می‌سازد.

۳-۱. مکانیسم‌های انتقال ریسک: از شوک جهانی تا بحران خانوار

در قسمت پیشین، ابعاد چندلایه و پیچیده ریسک‌های تجاری (ژئوپلیتیکی، ساختاری و خرد) را کالبدشکافی کرد. اما یک پرسش کلیدی باقی می‌ماند: این ریسک‌های کلان، چگونه در نهایت به سفره یک خانوار در یک کشور در حال توسعه راه یافته و امنیت غذایی آن را به مخاطره می‌اندازند؟ این فصل با هدف پاسخ به این پرسش، به بررسی «مکانیسم‌های انتقال ریسک» می‌پردازد. این تحلیل در دو سطح ساختارمند انجام خواهد شد:

۱. **کانال اقتصاد کلان:** بررسی چگونگی تبدیل شوک‌های خارجی (مانند اختلالات تجاری یا نوسانات انرژی) به تورم داخلی و بحران هزینه‌های زندگی.

۲. **کانال انسانی و خرد:** تحلیل نشان می‌دهد که چگونه این فشارهای اقتصادی، «دسترسی فیزیکی و اقتصادی به غذا» را برای آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه محدود کرده و به اشکال مختلف سوءتغذیه دامن می‌زند.

۳-۱-۱. کانال اول: سرایت از طریق اقتصاد کلان

اولین و مستقیم‌ترین کانال انتقال ریسک‌های تجاری، از طریق متغیرهای کلیدی اقتصاد کلان عمل می‌کند. گزارش‌های نهادهایی مانند فائو و OECD بر این کانال تأکید دارند که چگونه شوک‌های خارجی به تورم داخلی پایدار تبدیل می‌شوند و این امر مستلزم ارزیابی واگرایی قیمت‌ها در برابر سیاست‌های داخلی است.

۱. **انتقال مستقیم قیمت و «تورم وارداتی»:** افزایش قیمت جهانی کالاهای اساسی (مانند گندم) یا نهاده‌های تولید وارداتی (کود، سم، انرژی) مستقیماً هزینه تمام‌شده تولید داخلی را افزایش می‌دهد. این امر توانایی بخش کشاورزی داخلی برای عمل کردن به عنوان «ضربه‌گیر» در برابر شوک‌های جهانی را تضعیف کرده و خود به منبعی برای تورم داخلی تبدیل می‌شود. این افزایش هزینه در نهایت به قیمت خرده‌فروشی منتقل شده و قدرت خرید مصرف‌کننده را کاهش می‌دهد.

۲. **نقش «نرخ ارز» به عنوان ضریب فزاینده ریسک:**^۱ برای کشورهای واردکننده با پول ملی ضعیف، نرخ ارز به عنوان یک «ضریب فزاینده» عمل می‌کند. از آنجایی که قیمت‌گذاری جهانی بر مبنای دلار است، کاهش ارزش پول ملی، هزینه واردات (بر حسب پول داخلی) را افزایش می‌دهد. این پدیده اثر

1. Risk Multiplier

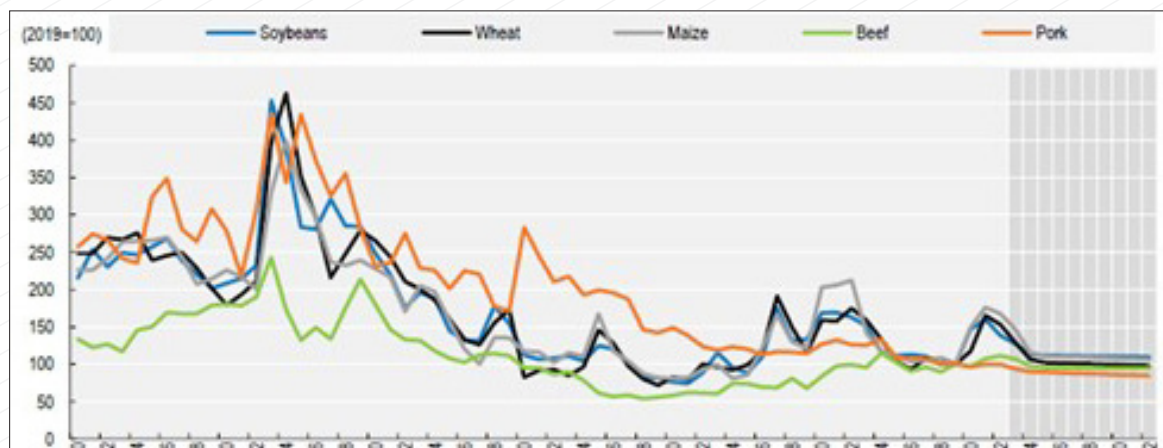


ریسک تجارت و امنیت غذایی در جهان درس‌هایی برای ایران

کاهش قیمت‌های جهانی را خنثی می‌کند. در شرایطی که شوک تجاری جهانی با بحران ارزی داخلی همزمان شود، اثر تورمی آن بر قیمت مواد غذایی به صورت تصاعدی تشدید خواهد شد.

۳. **تداوم نگران‌کننده سیاست‌های مخل تجارت:** با وجود اجماع گسترده مبنی بر مضر بودن محدودیت‌های صادراتی، پایگاه داده بانک جهانی نشان می‌دهد که تعداد قابل توجهی از کشورها همچنان به این سیاست‌ها متوسل می‌شوند. این اقدامات، با ایجاد عدم قطعیت و کاهش عرضه در بازار جهانی، به نوسانات قیمت دامن زده و یک «اثر دومینو»ی منفی ایجاد می‌کنند که در نهایت به ضرر امنیت غذایی تمام کشورها، به ویژه واردکنندگان خالص، تمام می‌شود.

۴. **پدیده «تورم چسبنده» و انتظارات:** یکی از دلایل واگرایی بین روند قیمت‌های جهانی و تورم داخلی، چسبندگی قیمت‌های مواد غذایی است. یعنی حتی پس از کاهش قیمت‌های جهانی (مثلاً پس از جهش ناشی از جنگ اوکراین)، قیمت‌های داخلی به همان سرعت کاهش نمی‌یابند. این چسبندگی نشان می‌دهد که کاهش قیمت بین‌المللی به طور کامل و سریع به مصرف‌کنندگان منتقل نمی‌شود و عواملی نظیر انتظارات تورمی داخلی، هزینه‌های بالای لجستیک داخلی و ساختارهای انحصاری توزیع، نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ تورم بالای مواد غذایی دارند. (نمودار ۴) روند کاهش قیمت کالاهای کشاورزی پایه در سطح جهانی را در مقابل افزایش قیمت محصولات پروتئینی و روغن وابسته به واردات را در داخل نشان می‌دهد.



SOURCE: OECD-FAO Agricultural Outlook 2023-2032

نمودار ۴. روند قیمت ماهانه گندم، ذرت و جو



بررسی وضعیت چسبندگی قیمت کالاهای داخلی (مرغ و روغن) از قیمت‌های جهانی: آثار افزایش نرخ ارز و قیمت جهانی و تاثیر آن بر قیمت کالاهای داخلی (مرغ و روغن نباتی): مطابق نمودار (۵) روند افزایش قیمت گوشت مرغ هم در بازار و هم در مورد قیمت‌های مصوب (که بر اساس نهاده‌های وارداتی) مشمول دریافت ارز ترجیحی) قیمت را محاسبه می‌نمایند، از کاهش قیمت ذرت در بازارهای جهانی تبعیت نکرده است. در این راستا چند نکته قابل تامل می‌باشد، در درجه اول باید مشخص شود که چرا با وجود حمایت از واردات نهاده مورد نیاز این کالا، روند کاهش قیمت جهانی و علی‌رغم برخورداری از ارز ترجیحی نتوانسته است اثر بر کاهش قیمت محصول مورد نظر داشته باشد. این امر را در موارد زیر باید جستجو نمود:

چندگانگی نرخ ارز و شکست انتقال قیمت: به‌رغم کاهش قیمت جهانی ذرت، به دلیل چندگانگی نرخ ارز و بروز شکست در انتقال قیمت؛ این کاهش به سطح تولید منتقل نشده است؛ به‌گونه‌ای که تخصیص نامنظم ارز ترجیحی، تأخیر در فرآیند ترخیص نهاده‌ها و همچنین واردات عملی بخشی از ذرت با ارز نیمایی یا آزاد، موجب شده هزینه تأمین نهاده برای مرغداران عملاً کاهش نیابد و در نتیجه افت قیمت جهانی ذرت اثری بر کاهش قیمت تمام‌شده و قیمت نهایی گوشت مرغ نداشته باشد.

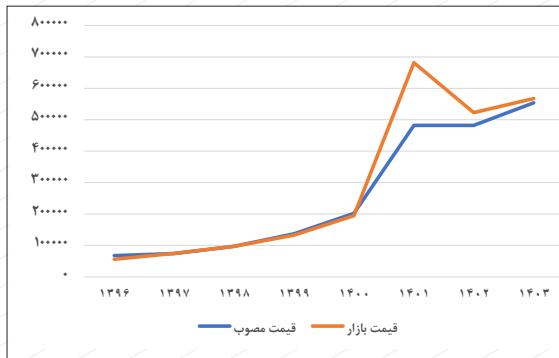
اختلال در شبکه توزیع نهاده (رانت و ناکارایی): اختلال در شبکه توزیع نهاده‌ها و بروز رانت و ناکارایی موجب شده است که بخش قابل توجهی از نهاده‌های یارانه‌ای یا به مرغداران واقعی نرسد و یا از مسیر شبکه رسمی خارج شده و در بازار آزاد عرضه شود؛ در نتیجه، مرغداران ناچار به تأمین نهاده مورد نیاز خود با قیمت‌های بازار آزاد هستند و در چنین شرایطی، حتی کاهش قیمت جهانی ذرت نیز نمی‌تواند اثری بر کاهش هزینه تولید و قیمت نهایی گوشت مرغ داشته باشد.

اثر تورم داخلی و هزینه‌های مکمل: با وجود کاهش قیمت جهانی ذرت، اثر تورم داخلی و افزایش هزینه‌های مکمل عملاً مانع کاهش قیمت تمام‌شده تولید مرغ شده است؛ زیرا در همین دوره، هزینه‌هایی مانند دستمزد، انرژی، حمل‌ونقل و هزینه تأمین سرمایه در گردش (به‌ویژه به دلیل نرخ‌های بالای بهره) به شدت افزایش یافته‌اند. در نتیجه، حتی اگر یکی از نهاده‌های اصلی مانند ذرت ارزان‌تر شود، مجموع فشارهای هزینه‌ای اجازه نمی‌دهد قیمت نهایی محصول کاهش پیدا کند.

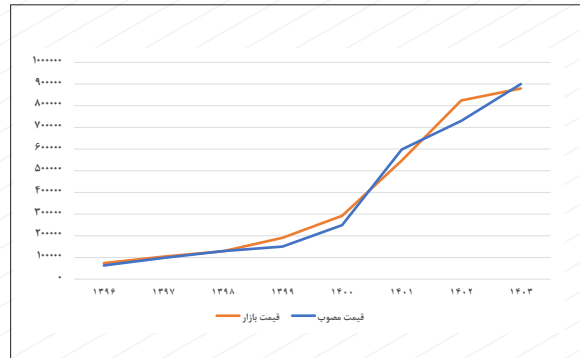
قیمت‌گذاری دستوری و رفتار جبرانی تولیدکننده: قیمت‌گذاری دستوری، به دلیل تعیین قیمت‌های مصوب در سطوحی پایین‌تر از هزینه واقعی تولید، تولیدکنندگان را با زیان مواجه می‌کند و آنان را به اتخاذ رفتارهای جبرانی برای بقا سوق می‌دهد؛ به طوری که مرغداران با تغییر الگوی وزن‌گیری، تعویق عرضه یا کاهش سطح تولید تلاش می‌کنند زیان خود را محدود کنند. در نتیجه، عرضه مؤثر در بازار کاهش یافته و حتی در شرایطی که هزینه برخی نهاده‌ها اندکی کاهش می‌یابد، قیمت بازار همچنان در سطحی بالا باقی می‌ماند.



ریسک تجارت و امنیت غذایی در جهان درس‌هایی برای ایران



منبع: یافته‌های تحقیق به استناد داده‌های مرکز آمار و مصوبات تنظیم بازار



منبع: یافته‌های تحقیق به استناد داده‌های مرکز آمار و مصوبات تنظیم بازار

نمودار ۷. روند قیمت مصوب و بازار روغن نباتی

نمودار ۶. روند قیمت مصوب و بازاری گوشت مرغ

بررسی تحولات قیمتی در بازار کالاهای اساسی نشان می‌دهد که قیمت‌های داخلی، حتی در کالاهایی که وابستگی بالایی به واردات دارند، تبعیت معناداری از روندهای کاهشی قیمت‌های جهانی ندارند. تجربه بازار گوشت مرغ - که بخش مهمی از نهاده‌های آن از طریق واردات تأمین می‌شود - به‌ویژه بازار روغن نباتی - که بیش از ۹۰ درصد نهاده اصلی آن وارداتی است - گویای بروز پدیده «شکست انتقال قیمت» و چسبندگی شدید قیمت‌ها در اقتصاد ایران است. این وضعیت به‌ویژه پس از کاهش قیمت‌های جهانی روغن در دوره پس از شوک جنگ اوکراین و روسیه به‌وضوح قابل مشاهده است.

در این شرایط، سیاست قیمت‌گذاری دستوری دولت، بیش از آنکه در خدمت حمایت از مصرف‌کننده باشد، به ابزاری برای تضمین تداوم واردات و تولید تبدیل شده است. تعیین قیمت‌های مصوب در سطوح بالا - و در برخی موارد حتی بالاتر از قیمت‌های بازار - نشان‌دهنده آن است که دولت برای حفظ انگیزه بخش خصوصی در فضایی آکنده از نااطمینانی ارزی و سیاستی، ناچار به پذیرش قیمت‌های بالاتر شده است. در نتیجه، قیمت‌های مصوب عملاً نقش «بیمه ریسک» برای واردکنندگان و تولیدکنندگان را ایفا کرده‌اند.

این رویکرد در عمل به انتقال ریسک نوسانات نرخ ارز و بی‌ثباتی سیاستی از واردکننده به دولت یا مصرف‌کننده منجر شده است. یارانه‌های ارزی و قیمت‌گذاری حمایتی، به جای کاهش فشار معیشتی، در برخی موارد زمینه‌ساز سودآوری کم‌ریسک برای فعالان زنجیره واردات و تولید شده و اثربخشی سیاست‌های حمایتی را تضعیف کرده است. همزمان، عوامل تورمی داخلی، ناکارایی شبکه توزیع و چندگانگی نرخ ارز، مانع از انتقال کاهش قیمت‌های جهانی به بازار داخلی شده‌اند.

در مجموع، شواهد بازار مرغ و روغن نباتی نشان می‌دهد که تداوم سیاست‌های مبتنی بر ارز ترجیحی و قیمت‌گذاری دستوری، بدون اصلاحات نهادی و مهار بی‌ثباتی‌های کلان، نه تنها به کاهش قیمت





مصرف‌کننده منجر نمی‌شود، بلکه با تشدید چسبندگی قیمت‌ها و انتقال ریسک، کارایی سیاست‌های حمایتی را کاهش می‌دهد. حرکت به سوی حذف تدریجی حمایت‌های قیمتی، جایگزینی آن با حمایت‌های مستقیم و هدفمند، و اصلاح سازوکارهای توزیع و تنظیم‌گری بازار، شرط لازم برای بهبود انتقال قیمت و افزایش اثربخشی سیاست‌های حمایتی است.

۱-۳-۲. کانال دوم: تجلی بحران در سطح خرد و انسانی (بحران استطاعت‌پذیری)

در نهایت، فشارهای اقتصاد کلان در سطح خانوارها به صورت بحران استطاعت‌پذیری آشکار می‌شود (بر اساس گزارش وضعیت امنیت غذایی و تغذیه در جهان ۲۰۲۵):

«از تورم تا بحران استطاعت‌پذیری: افزایش قیمت‌ها، «هزینه یک رژیم غذایی سالم» را فراتر از توان مالی بخش بزرگی از جمعیت می‌برد. خانوارها مجبور به اتخاذ راهبردهای مقابله‌ای مخرب می‌شوند: **کاهش کیفیت رژیم غذایی:** جایگزینی مواد مغذی (پروتئین، میوه) با مواد ارزان‌تر (غلات و کربوهیدرات‌های ساده).

«کاهش کمیت و حذف وعده‌های غذایی: در مراحل شدیدتر، کاهش حجم غذا یا حذف کامل وعده‌ها.

«پیامد بهداشتی: بار مضاعف سوءتغذیه؛ نتیجه مستقیم کاهش کیفیت رژیم غذایی، ظهور پدیده «بار مضاعف سوءتغذیه» است. در این حالت، ممکن است در یک جامعه یا حتی در یک خانوار، کمبود ریزمغذی‌ها و کم‌خونی (ناشی از عدم مصرف غذای متنوع) در کنار چاقی و اضافه وزن (ناشی از مصرف بیش از حد کربوهیدرات‌های ارزان) به طور همزمان مشاهده شود. این، چهره مدرن ناامنی غذایی است.

«پیامد روانی (اضطراب و عدم قطعیت): شاخص تجربه ناامنی غذایی (FIES) به ما نشان می‌دهد که ریسک تجاری، چگونه به «اضطراب» و «عدم قطعیت» در سطح خانوار ترجمه می‌شود. حتی قبل از آنکه یک خانوار به گرسنگی مطلق برسد، نگرانی دائمی از آینده و ناتوانی در برنامه‌ریزی برای تأمین غذای خانواده، خود یک هزینه رفاهی و روانی بزرگ است که این شاخص آن را به خوبی اندازه‌گیری می‌کند.

«پیامد اجتماعی: تشدید نابرابری: گزارش‌ها همگی تأکید می‌کنند که اثرات ریسک تجاری به صورت یکسان توزیع نمی‌شود. گروه‌هایی مانند خانوارهای با سرپرست زن، ساکنان مناطق روستایی دورافتاده، آوارگان و جمعیت‌های کم‌درآمد شهری، به طور نامتناسبی در برابر این شوک‌ها آسیب‌پذیرتر هستند و بحران، نابرابری‌های موجود را عمیق‌تر می‌سازد.



۴-۱. نقد پارادایم سنتی: چرا سیاست‌های فعلی تولید و تجارت در مهار ریسک قابل اعتماد نیستند

در قسمت پیشین، ماهیت پیچیده ریسک‌های نوین تجاری و مکانیسم‌های انتقال آن‌ها به سطح خانوار را تشریح کردند. در مواجهه با این بحران‌ها، دولت‌ها در سراسر جهان، به ویژه در کشورهای واردکننده، مجموعه‌ای از سیاست‌ها را به کار گرفته‌اند. این سیاست‌ها، که عمدتاً ریشه در پارادایم‌های فکری قدیمی‌تر و یک نگاه ملی‌گرایانه به امنیت دارند، در دو دسته اصلی قابل طبقه‌بندی هستند: سیاست‌های معطوف به داخل (حمایت از تولید داخلی) و سیاست‌های معطوف به خارج (محدودیت‌های تجاری). این فصل با اتخاذ یک رویکرد انتقادی، به کالبدشکافی این دو دسته از سیاست‌های سنتی می‌پردازد و با استناد به یافته‌های گزارش‌های بین‌المللی، بویژه در گزارش ریسک تجارت و امنیت غذایی (آداموپلوس و لیبوچی ۲۰۲۵) استدلال می‌کند که چرا این رویکردها، نه تنها در مدیریت مؤثر ریسک‌های جدید ناکام بوده‌اند، بلکه در بسیاری از موارد، خود به تشدید بحران و ایجاد ناکارآمدی‌های ساختاری دامن زده‌اند. درک این ناکامی‌ها، پیش‌نیاز ضروری برای تدوین پارادایم جدیدی است که در فصل بعد ارائه خواهد شد.

۱-۴-۱. نقد سیاست داخلی: ناکارآمدی «حمایت کور» از تولید

در مواجهه با ریسک وابستگی به واردات، طبیعی‌ترین واکنش برای بسیاری از دولت‌ها، تلاش برای تقویت تولید داخلی از طریق سیاست‌های حمایتی است. اما همانطور که در گزارش وضعیت امنیت غذایی و تغذیه در جهان (۲۰۲۵) به تفصیل نشان می‌دهد، «چگونگی» این حمایت، اهمیت بسیار بیشتری از «نفسی» حمایت دارد. سیاست‌های حمایتی سنتی، که می‌توان آن‌ها را «حمایت کور» نامید، عمدتاً از طریق ابزارهای مخمل بازار عمل کرده و در بلندمدت، نتایج معکوسی به بار آورده‌اند:

۴ اتکای بیش از حد به حمایت‌های قیمتی و مخمل بازار: ابزار اصلی در این پارادایم، حمایت از قیمت

از طریق سیاست‌هایی مانند «خرید تضمینی» با نرخ‌های بالاتر از بازار جهانی است. گزارش ریسک تجارت و امنیت غذایی (۲۰۲۵) این نوع حمایت را در دسته «یارانه‌های مرتبط با تولید» طبقه‌بندی کرده و نشان می‌دهد که این سیاست، به جای ترویج کارایی، به تشویق ناکارآمدی ساختاری منجر می‌شود. کشاورز انگیزه‌ای برای کاهش هزینه‌ها، نوآوری یا بهینه‌سازی مصرف منابع (به ویژه آب) ندارد، زیرا سود او از طریق قیمت دستوری و تضمین شده، تأمین می‌گردد.

۴ تخصیص نادرست منابع ملی: سیاست‌ها، سیگنال‌های بازار را به شدت مخدوش می‌کنند.

با سودآور کردن مصنوعی تولید چند کالای استراتژیک (مانند گندم یا شکر)، منابع کمیاب کشور (آب، زمین، نیروی کار و سرمایه) از تولید محصولات مغذی‌تر و با ارزش افزوده بالاتر (مانند میوه‌ها، سبزیجات، حبوبات) که ممکن است حمایت کمتری دریافت کنند، منحرف می‌شود. این امر، نه





تنها به کاهش تنوع تولید داخلی و وابستگی به واردات در سایر بخش‌ها، بلکه به افزایش هزینه یک رژیم غذایی سالم برای مصرف‌کنندگان منجر می‌شود.

◀ **تشدید نابرابری در بخش کشاورزی:** از آنجا که میزان حمایت، مستقیماً به حجم تولید گره خورده است و نه بهره‌وری تولید، از این‌رو بخش عمده‌ای از یارانه‌های هنگفت دولتی، به جیب تولیدکنندگان بزرگ و تجاری و حتی تولیدکنندگانی که با مصرف غیراستاندارد برخی نهاده‌ها نظیر کود سعی در تولید بیشتر دارند می‌شود. هرچند در این میان کشاورزان خرده‌پایی نیز وجود دارند یا به دلیل دور بودن از مراکز توزیع حمایتی و یا به دلیل پایین بودن سطح تولید، سهم ناچیزی از این حمایت‌ها دریافت می‌کنند. این سیاست، به جای توانمندسازی، به تشدید نابرابری و به حاشیه رانده شدن آسیب‌پذیرترین تولیدکنندگان دامن می‌زند.

◀ **پیامدهای مخرب زیست‌محیطی:** حمایت کور از تولید، بدون در نظر گرفتن ملاحظات زیست‌محیطی، منجر به استفاده بیش از حد از نهاده‌هایی مانند آب و کودهای شیمیایی شده و به تخریب منابع آب و خاک، فرسایش و کاهش پایداری بلندمدت بخش کشاورزی می‌انجامد.

۲-۴-۱. نقد سیاست خارجی: تله «حمایت‌گرایی بحران‌زا»

دسته دوم سیاست‌های سنتی، در سطح بین‌المللی و در واکنش به شوک‌های حاد، خود را نشان می‌دهند. این سیاست‌ها، که ریشه در یک نگاه کوتاه‌مدت و ملی‌گرایانه دارند، نمونه بارز «بازی با حاصل جمع صفر» هستند که در نهایت به ضرر همه تمام می‌شود.

◀ **محدودیت‌های صادراتی به عنوان کاتالیزور بحران:** خطرناک‌ترین این سیاست‌ها، اعمال ناگهانی محدودیت یا ممنوعیت صادراتی بر کالاهای اساسی است. یک کشور صادرکننده، برای کنترل قیمت داخلی خود، صادرات را ممنوع می‌کند، اما این اقدام یک اثر دومینوی جهانی ایجاد می‌کند:

◀ **ایجاد شوک عرضه مصنوعی:** این سیاست، عرضه موجود در بازار جهانی را به طور ناگهانی کاهش داده و دسترسی کشورهای واردکننده را، که بر اساس قراردادهای تجاری برنامه‌ریزی کرده‌اند، قطع می‌کند.

◀ **ایجاد وحشت و احتکار:** سایر کشورها با ترس از کمبود، به خریدهای هیجانی روی آورده و قیمت‌ها را به صورت غیرمنطقی و بسیار فراتر از سطوح بنیادین، بالا می‌برند.

◀ **فرسایش کامل اعتماد در سیستم جهانی:** این اقدام، به تمام شرکای تجاری این سیگنال را می‌دهد که در زمان بحران، نمی‌توان به تعهدات تجاری و قابلیت اتکای بازار جهانی، اعتماد کرد.

◀ **تشویق به خودکفایی ناکارآمد:** پیامد بلندمدت نتیجه نهایی این سیاست‌های «زیان‌رسان به همسایه»، تضعیف کل سیستم تجارت چندجانبه است. وقتی کشورها اعتماد خود را به تجارت



ریسک تجارت و امنیت غذایی در جهان درس‌هایی برای ایران

بین‌الملل به عنوان یک منبع قابل اتکا در زمان بحران از دست می‌دهند، انگیزه بیشتری پیدا می‌کنند تا به سمت استراتژی‌های پرهزینه «خودکفایی به هر قیمت» حرکت کنند. این امر، کارایی کل اقتصاد جهانی را کاهش داده و در نهایت، هزینه غذا را برای همه، به ویژه برای فقیرترین کشورها، افزایش می‌دهد. همانطور که آداموپلوس و لیویچی (۲۰۲۵) در گزارش ریسک تجارت و امنیت غذایی به صورت نظری نشان می‌دهد، افزایش ریسک، کشورها را به سمت عقب‌نشینی از تجارت سوق می‌دهد و این سیاست‌های دولتی، آن واکنش طبیعی را به شکلی مخرب، تشدید می‌کنند.

۱-۵. تدوین پارادایم جدید: به سوی تاب‌آوری هوشمند

در قسمت قبل، ضمن کالبدشکافی ابعاد نوین ریسک تجاری و مکانیسم‌های انتقال آن، به نقد پارادایم سنتی واکنش به این بحران‌ها پرداختند. نشان داده شد که سیاست‌های «حمایت کور» داخلی و «حمایت‌گرایی بحران‌زا»ی خارجی، نه تنها در مدیریت ریسک ناکام بوده‌اند، بلکه خود به منابع جدیدی از ناکارآمدی و بی‌ثباتی تبدیل شده‌اند. این ناکامی، ضرورت تدوین یک پارادایم جدید را آشکار می‌سازد؛ پارادایمی که فراتر از دوگانه ساده‌انگارانه «تجارت آزاد در برابر خودکفایی» عمل کرده و به دنبال دستیابی همزمان به اهداف کارایی، پایداری و امنیت باشد.

این فصل، چارچوب این پارادایم نوین، که آن را «تاب‌آوری هوشمند»^۱ می‌نامیم، را ارائه می‌دهد. این پارادایم برای اصل استوار است که امنیت غذایی پایدار، نه از طریق انزوای تجاری، بلکه از طریق یک «استراتژی دو ستونی یکپارچه» حاصل می‌شود:

۱. **تقویت حداکثری تاب‌آوری در مبدأ:** ساختن یک بخش کشاورزی داخلی کارآمد، دانش‌بنیان و پایدار.
۲. **مدیریت هوشمند ریسک‌های باقی‌مانده:** استفاده از دیپلماسی تجاری فعال و شبکه‌های حمایت اجتماعی مدرن برای جذب شوک‌های غیرقابل اجتناب.

۱-۵-۱. ستون اول: تقویت تاب‌آوری در مبدأ (سرمایه‌گذاری در تولید داخل هوشمند)

این ستون، پاسخی مستقیم به آسیب‌پذیری‌های ناشی از وابستگی به واردات است. برخلاف پارادایم سنتی، هدف آن سرمایه‌گذاری هدفمند در بهره‌وری و پایداری است، نه حمایت از ناکارآمدی. این رویکرد، بهترین «بیمه» در برابر ریسک‌های تجاری است، زیرا با تقویت بنیان‌های داخلی، مشکل را از ریشه حل می‌کند.

1. - Smart Resilience



۱-۵-۱. اصل راهبردی اول: جهش بهره‌وری، پایدارترین جایگزین حمایت‌گرایی

◀ **منطق تحلیلی:** آداموپولوس و لیویچی (۲۰۲۵) در گزارش ریسک تجارت و امنیت غذایی به صورت نظری و کمی نشان می‌دهد، «رشد بهره‌وری می‌تواند جایگزین حمایت‌گرایی شود». افزایش بهره‌وری کل عوامل در کشاورزی، با کاهش هزینه تمام‌شده تولید و البته رشد تولید، به طور طبیعی رقابت‌پذیری تولید داخل را افزایش داده و وابستگی به واردات را کاهش می‌دهد. در این خصوص مختصات بخش کشاورزی از منظر مقیاس واحدهای بهره‌برداری، میزان ضریب نفوذ تکنولوژی بویژه تکنولوژی‌های مرتبط با آبیاری اراضی، ویژگی‌های بهره‌برداران از منظر سطح سواد و دانش مرتبط با فعالیت‌های کشاورزی و نوع تملک واحدهای بهره‌برداری از عوامل کلیدی و موثر بر بهره‌وری بخش کشاورزی تلقی می‌شود (آدامپولوس و رستوسیا،^۱ ۲۰۱۱) این امر، مواجهه کشور با ریسک‌های تجاری را کم کرده و در نتیجه، نیاز به استفاده از ابزارهای پرهزینه و مخمل بازار مانند تعرفه را در بلندمدت از بین می‌برد.

◀ **اقدام سیاستی:** دولت‌ها باید سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه را به عنوان یک اولویت امنیت ملی در نظر بگیرند. این شامل حمایت از مراکز تحقیقاتی برای توسعه ارقام مقاوم به خشکی و شوری، ترویج تکنیک‌های کشاورزی حفاظتی^۲ و سرمایه‌گذاری هدفمند در بیوتکنولوژی مدرن است.

۱-۵-۲. اصل راهبردی دوم: (بازتخصیص) حمایت‌های داخلی از قیمت به زیرساخت

◀ **منطق تحلیلی:** گزارش وضعیت امنیت غذایی و تغذیه در سال ۲۰۲۲ به صراحت نشان می‌دهد که مشکل، «نفسی» حمایت نیست، بلکه «نحوه» آن است. به جای یارانه‌های قیمتی مخمل بازار، منابع مالی دولت باید به سمت سرمایه‌گذاری در «خدمات و زیرساخت‌های عمومی» به زیربنای یک بخش کشاورزی مدرن را تشکیل می‌دهند، هدایت شود.

◀ **اقدام سیاستی:** ایجاد یک «صندوق ملی نوآوری و تاب‌آوری کشاورزی» برای ارائه وام‌های کم‌بهره و تسهیلات جهت:

- ▶ **مدرن‌سازی زیرساخت‌های حیاتی:** شامل شبکه‌های آبیاری کارآمد، انبارهای مدرن و زنجیره سرد برای کاهش ضایعات پس از برداشت.
- ▶ **ترویج کشاورزی دقیق:** حمایت از خرید تجهیزات مرتبط با کشاورزی هوشمند، حسگر و نرم‌افزارهای مدیریتی برای بهینه‌سازی مصرف نهاده‌ها.
- ▶ **سرمایه‌گذاری در مدیریت پایدار منابع:** شامل پروژه‌های آبخیزداری، احیای خاک و مدیریت جامع حوضه‌های آبریز.

1. Adamopoulos and Restuccia

2. Conservation Agriculture



ریسک تجارت و امنیت غذایی در جهان درس‌هایی برای ایران

۱-۵-۳. اصل راهبردی سوم: توانمندسازی تولیدکنندگان خرد از طریق سازماندهی

- ◀ **منطق تحلیلی:** بررسی‌ها نشان می‌دهد که کشاورزان خرده‌پا، ستون اصلی تولید غذا اما ضعیف‌ترین حلقه در زنجیره ارزش هستند. تقویت تاب‌آوری ملی، بدون توانمندسازی این گروه عظیم، ممکن نیست.
- ◀ **اقدام سیاستی:** حمایت فعال از تشکیل و تقویت تعاونی‌ها، اتحادیه‌ها و سازمان‌های تولیدکنندگان برای افزایش قدرت چانه‌زنی جمعی آن‌ها، تسهیل دسترسی آن‌ها به اعتبار و بازار، و ترویج کشاورزی قراردادی با شرایط منصفانه برای کاهش ریسک‌های بازاری آن‌ها.

۱-۵-۲. ستون دوم: مدیریت ریسک باقی‌مانده (ایجاد ضربه‌گیرهای خارجی و اجتماعی)

- هیچ کشوری نمی‌تواند و نباید به دنبال خودکفایی ۱۰۰ درصدی باشد. تجارت، همچنان یک جزء حیاتی برای کارایی، تنوع و مدیریت شوک‌های تولید داخلی است. این ستون، بر مدیریت هوشمندانه ریسک‌هایی تمرکز دارد که حتی پس از تقویت تولید داخل، باقی می‌مانند.

۱-۵-۲-۱. اصل راهبردی چهارم: دیپلماسی تجاری فعال و «تجارت هوشمند»

- ◀ **منطق تحلیلی:** گزارش‌های سازمان تجارت جهانی و موسسه بین‌المللی تحقیقات سیاست غذایی (IFPRI) بر اهمیت یک سیستم تجاری مبتنی بر قانون برای کاهش عدم قطعیت تأکید دارند. «تجارت هوشمند» به معنای اجتناب از انزوای تجاری، و در عین حال، مدیریت فعالانه وابستگی‌هاست.
- ◀ **اقدام سیاستی:**

- ▶ **ائتلاف‌سازی علیه محدودیت‌های صادراتی:** مشارکت در ائتلاف‌های بین‌المللی برای ایجاد یک هنجار جهانی قوی علیه استفاده از ممنوعیت‌های صادراتی غذا.
- ▶ **تنوع بخشی استراتژیک به شرکای تجاری:** اجتناب از وابستگی بیش از حد به یک یا دو منبع تأمین برای کالاهای اساسی و ایجاد یک سبد متنوع از شرکای تجاری برای کاهش ریسک‌های ژئوپلیتیکی.
- ▶ **تسهیل تجارت:** اجرای کامل توافق‌نامه تسهیل تجارت WTO از طریق مدرن‌سازی رویه‌های گمرکی و کاهش بوروکراسی برای تسریع واردات کالاهای اساسی در زمان نیاز.

۱-۵-۲-۲. اصل راهبردی پنجم: حمایت اجتماعی انطباق‌پذیر به جای دستکاری بازار

- ◀ **منطق تحلیلی:** گزارش بانک جهانی به وضوح نشان می‌دهد که کارآمدترین و کم‌هزینه‌ترین راه برای محافظت از مصرف‌کنندگان در برابر شوک‌های قیمتی، نه دستکاری قیمت در بازار (که ناکارآمد و مغل است)، بلکه حمایت مستقیم از قدرت خرید آسیب‌پذیرترین اقشار است.



- ◀ **اقدام سیاستی:** جایگزینی کامل یارانه‌های کالایی با یک سیستم حمایت اجتماعی مدرن که:
 - ▶ **هدفمند باشد:** با استفاده از پایگاه‌های داده ملی، کمک‌ها (نقدی یا به صورت کوپن) را مستقیماً به دهک‌های پایین درآمدی تخصیص دهد.
 - ▶ **انطباق‌پذیر باشد:** به گونه‌ای طراحی شود که در زمان جهش ناگهانی قیمت‌ها، بتواند به طور خودکار و موقت، میزان حمایت را افزایش دهد تا به عنوان یک «ضربه گیر اجتماعی» عمل کند.

۶-۱. بررسی وضعیت ایران در تغییر پارادایم از الگوی تولید و تجارت موجود در بخش کشاورزی به سمت امنیت دسترسی و تامین غذا با رویکرد تاب‌آوری هوشمند

کشاورزی ایران دهه‌ها تحت سایه سیاست‌های حمایتی متمرکز بر تضمین قیمت و حفظ خودکفایی در محصولات استراتژیک (مانند گندم) توسعه یافته است. این رویکرد، علیرغم تأمین امنیت غذایی در مقطعی، به تخریب پایه‌های تاب‌آوری اقتصادی و محیطی منجر شده است.

- ◀ **نقد پارادایم سنتی:** سیاست‌های حمایتی کور منجر به تخصیص نادرست منابع کمیاب (آب و زمین) شده و اعتماد جهانی را فرسایش داده است. این سیاست‌ها عملاً قیمت واقعی آب را برای کشاورز نامرئی نگه داشته و انگیزه‌ای برای تغییر الگوهای کشت ایجاد نکرده‌اند.
- ◀ **مکانیسم انتقال ریسک:** ریسک‌های سیستماتیک ناشی از تغییرات اقلیمی و نوسانات ارزی، به جای جذب در سطوح مدیریتی بالاتر، از طریق نرخ ارز و تورم چسبیده به سطح «استطاعت‌پذیری» خانوارهای مصرف‌کننده منتقل می‌شوند. این امر، ثبات معیشت را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد، زیرا با افزایش قیمت نهاده‌های وارداتی (کود، ماشین‌آلات)، قیمت نهایی محصول نیز افزایش یافته و قدرت خرید مردم کاهش می‌یابد.

۱-۶-۱. چالش‌های گذار کشاورزی ایران به تاب‌آوری هوشمند

۱-۱-۶-۱. چالش‌های فنی و بهره‌وری آب

بخش کشاورزی ایران بزرگ‌ترین مصرف‌کننده منابع آب است و عدم بهره‌وری در این بخش، بحران آب را تشدید می‌کند.

- ◀ **بر اساس آمارها،** سطح زیرکشت کشور حدود ۱۷ میلیون هکتار (شامل زراعت و باغبانی) است که ۹۰ درصد آن به زراعت و مابقی آن به باغبانی اختصاص دارد.
- ◀ **آبیاری تحت فشار (IP):** ضریب نفوذ آبیاری تحت فشار (IP) در سطح ملی بسیار پایین است:



ریسک تجارت و امنیت غذایی در جهان درس‌هایی برای ایران

🔸 تنها ۱۴ درصد از کل بهره‌برداری‌ها مجهز به سیستم‌های نوین آبیاری هستند.

🔸 این رقم در بخش زراعت آبی حدود ۲۰ درصد و در باغبانی حدود ۱۷ درصد است.

🔹 **پیامدها:** وابستگی شدید به روش‌های سنتی مانند آبیاری سطحی، پایداری منابع آب زیرزمینی را به شدت به خطر انداخته و بازدهی آب در واحد سطح را کاهش داده است.

۱-۶-۲. چالش ساختار بهره‌برداری و مقیاس

ساختار خرد و پراکنده مالکیت زمین، یکی از بزرگ‌ترین موانع اقتصادی و فنی در پذیرش فناوری‌های مقیاس‌پذیر و هوشمند است.

🔹 ویژگی‌های ساختاری:

🔸 **خرده‌مالکی غالب:** میانگین اندازه زمین هر بهره‌بردار زیر ۳ هکتار است.

🔸 **تمرکز مالکیت کوچک:** ۷۶ درصد بهره‌برداران در اراضی کمتر از ۵ هکتار فعال‌اند. این سهم در بخش باغبانی به دلیل قطعه‌بندی بیشتر، بالاتر نیز هست.

۱-۶-۳. محدودیت نفوذ تکنولوژی

به دلیل مقیاس کوچک و عدم صرفه اقتصادی برای سرمایه‌گذاری در تجهیزات گران‌قیمت هوشمند (مانند سنسورها، سامانه‌های پایش از راه دور)، تخمین زده می‌شود که ۵۵ درصد از اراضی زیرکشت آمادگی اقتصادی یا فنی برای پذیرش فناوری‌های بهره‌وری بخش را ندارند. این امر نیازمند مدل‌های تجمیعی و تعاونی کارآمد است.

۱-۶-۴. چالش الگوی کشت و مدیریت منابع خاک

سیاست‌های کوتاه‌مدت مبتنی بر افزایش تولید در کوتاه‌مدت، منجر به فرسایش و نابودی ذخایر خاک شده است.

🔹 فشار بر منابع طبیعی:

🔸 **کاهش آیش:** استراتژی غالب «حداکثرسازی سطح کشت» در سال‌های اخیر، منجر به کاهش شدید دوره آیش (استراحت زمین) شده است.

■ **پیامدهای بلندمدت:** این فشار مداوم بر زمین، مستقیماً به فقر خاک، کاهش مواد آلی و در نهایت کاهش عملکرد پایدار هکتاری در بلندمدت منجر خواهد شد؛ چالشی که ریسک آن کمتر از بحران آب در نظر گرفته نمی‌شود.

۱-۶-۵. چالش‌های انسانی و ترویجی (سرمایه انسانی)

شکاف نسلی و آموزشی در بدنه بهره‌برداران، پذیرش نوآوری‌های دانش‌بنیان را با موانع جدی مواجه می‌سازد.





◀ ویژگی‌های جمعیتی و آموزشی:

▶ **سن بهره‌برداران:** ۴۶ درصد بهره‌برداران در بازه سنی ۵۰ تا ۷۵ سال قرار دارند، که نشان‌دهنده عدم ورود نیروی جوان و تحصیل‌کرده به این بخش است.

▶ **سطح سواد:** ۶۰ درصد بهره‌برداران یا بی‌سواد هستند یا دارای سواد ابتدایی، که این امر استفاده از پلتفرم‌های دیجیتال و سامانه‌های مدیریت هوشمند را دشوار می‌سازد.

◀ شکاف علمی در بخش تولید

▶ سهم پایین ۲ درصد فارغ‌التحصیلان کشاورزی در بخش تولید فعال، مانعی جدی در نفوذ دانش فنی و تسهیل تغییر پارادایم بهره‌وری از روش‌های سنتی به سمت رویکردهای دانش‌بنیان ایجاد کرده است.

۶-۱-۶-۱. چالش‌های مدیریتی و حکمرانی

ماهیت خانوادگی و غیرتخصصی اداره بسیاری از واحدها، اجرای سیاست‌های اصلاحی را پیچیده می‌کند.

◀ ساختار مدیریتی واحدها:

▶ **ماهیت خانوادگی:** ۷۳ درصد بهره‌برداری‌ها خانوادگی اداره می‌شوند. این ساختار، هرچند از نظر اجتماعی مهم است، اما تعدد تصمیم‌گیران در مقیاس کوچک، اجرای طرح‌های ملی مبتنی بر بهره‌وری و اصلاح ساختار (مانند تجمیع اراضی یا اجرای یکپارچه سیستم‌های آبیاری) را بسیار دشوار می‌سازد.

۶-۱-۶-۱.۷. عدم توجه به ارزش افزوده

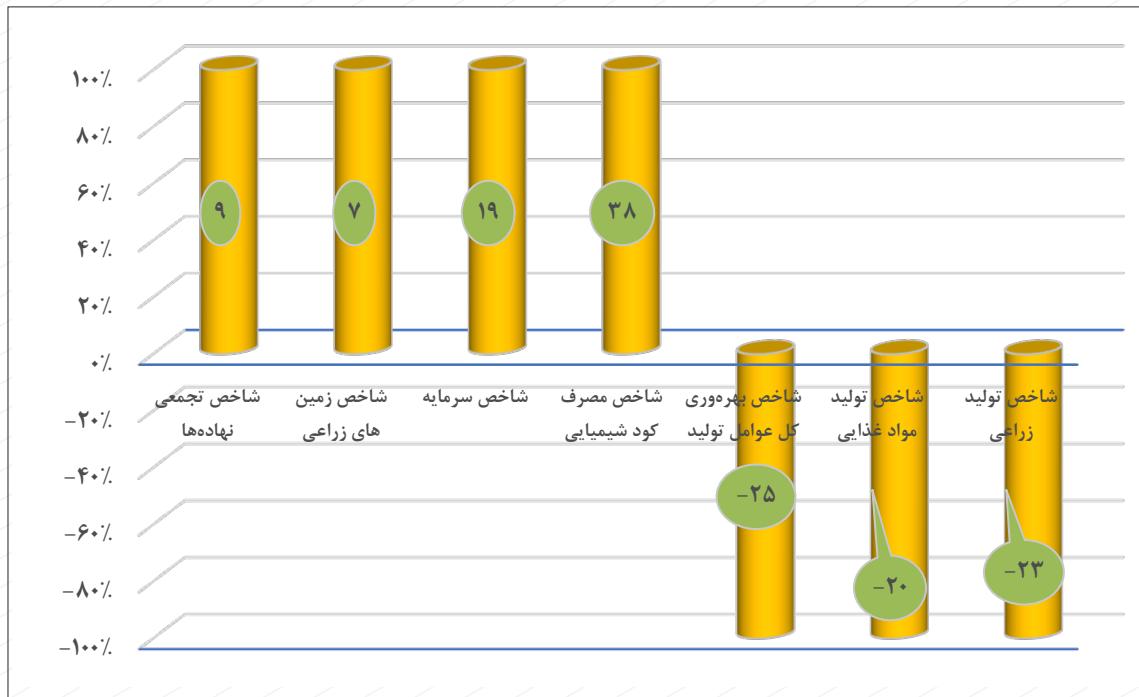
عدم توجه به زنجیره‌های ارزش افزوده تخصصی در سطح خرد مشهود است. سهم فعالیت‌های تخصصی با پتانسیل بالا مانند پرورش کرم ابریشم و زنبور عسل، تنها حدود ۰.۲ درصد از کل فعالیت‌های کشاورزی را شامل می‌شود.

◀ تضاد بین افزایش نهاده و کاهش بهره‌وری (تناقض اصلی): در حالی که استفاده از نهاده‌ها افزایش

یافته است، شاخص‌های عملکردی (مانند بهره‌وری کل عوامل تولید) بین ۲۰ تا ۲۵ درصد کاهش یافته‌اند. این بدان معناست که به ازای هر ۱۰۰ واحد نهاده‌ای که به بخش تزریق می‌شود، خروجی بهینه‌ای (حدود ۷۰ واحد) حاصل نمی‌شود.



ریسک تجارت و امنیت غذایی در جهان درس‌هایی برای ایران



منبع: مرکز مطالعات اقتصادی آمریکا (۲۰۲۴)

نمودار ۸. روند تغییر شاخص مصرف نهاده و تولید بخش کشاورزی در بازه زمانی ۱۳۹۳-۱۴۰۳

چالش برای سیاست‌گذار و نیاز به تغییر پارادایم:

- ❖ **ناکامی حمایت‌های فعلی:** سیاست‌های حمایتی موجود که مبتنی بر مصرف نهاده (توزیع نهاده ارزان) یا قیمت تضمینی هستند، نه تنها محرکی برای تولید بهینه نبوده‌اند، بلکه منجر به استفاده غیربهینه از نهاده‌ها شده‌اند.
- ❖ **تخریب ظرفیت اکولوژیکی:** این شیوه حمایت و مصرف غیربهینه، به ظرفیت اکولوژیکی بخش کشاورزی (مانند آب و کیفیت خاک) آسیب زده است.
- ❖ **بحران امنیت غذایی:** ادامه این روند، با توجه به مقیاس فعالیت و الگوی کشت جاری، نه تنها توصیه‌های نهاده‌های تحقیقات بین‌المللی برای تغییر پارادایم را غیرممکن می‌سازد، بلکه بحران موجود در امنیت غذایی کشور را عمیق‌تر خواهد کرد.

۱-۶-۲. چالش‌های گذار کشاورزی ایران به تاب‌آوری از جنبه امنیت غذایی

۱-۶-۲-۱. دسترسی اقتصادی به غذا

◀ **هزینه رژیم غذایی سالم:** هزینه این رژیم غذایی با افزایش شدید همراه بوده است؛ از ۳٫۰۱ دلار به ازای هر نفر در روز در سال ۲۰۱۷، به ۴٫۳۹ دلار در سال ۲۰۲۴ (بر اساس برابری قدرت خرید PPP) رسیده است. این افزایش نشان می‌دهد که برای تأمین یک سبد غذایی استاندارد و سالم، نیاز به قدرت خرید بسیار بیشتری نسبت به گذشته وجود دارد.

◀ **ناتوانی در تأمین هزینه رژیم سالم (فقر تغذیه‌ای):** این شاخص دچار وخامت چشمگیر شده و تقریباً دو برابر شده است؛ از ۷٫۷ درصد جمعیت در سال ۲۰۱۷ به ۱۴٫۰ درصد در سال ۲۰۲۴ رسیده است. این بدان معناست که تقریباً ۱۲ میلیون نفر توانایی مالی برای خرید مواد غذایی لازم برای یک رژیم سالم را ندارند. این دو برابر شدن نشان‌دهنده تعمیق فقر تغذیه‌ای در کشور است.

◀ **داده‌ها نشان‌دهنده بحران مضاعف در امنیت غذایی هستند:** همزمان با افزایش شدید قیمت مواد غذایی سالم، توانایی جمعیت برای دستیابی به آن به شدت کاهش یافته است. بنابراین دو چالش کلیدی در حوزه امنیت غذایی و تغذیه قابل استخراج است:

▶ **بحران دسترس‌پذیری اقتصادی^۱:** افزایش نرخ تورم مواد غذایی نسبت به رشد درآمد خانوارها (به خصوص برای دهک‌های پایین‌تر) باعث شده است که هزینه یک رژیم غذایی سالم از دسترس خارج شود. این چالش مستقیماً بر توانایی مالی مردم برای خرید مواد مغذی تأثیر می‌گذارد.

▶ **افزایش فقر تغذیه‌ای^۲:** دو برابر شدن جمعیت ناتوان از تأمین رژیم سالم (از ۷٫۷ درصد به ۱۴٫۰ درصد) نشان‌دهنده تعمیق فقر تغذیه‌ای است. این امر پیامدهای جدی بلندمدت بر سلامت عمومی، بهره‌وری نیروی کار (که در بخش قبلی مورد بحث بود)، و توسعه انسانی کشور خواهد داشت.

۱-۶-۲-۲. گرسنگی و ناامنی غذایی

بر اساس داده‌های ارائه شده در مورد گرسنگی و ناامنی غذایی در دوره ۲۰۲۲-۲۰۲۴، نکات تحلیلی زیر قابل استخراج است:

◀ **شیوع سوءتغذیه (کمبود کالری):** این شاخص نشان‌دهنده وضعیتی است که در آن ۶٫۲ میلیون نفر در دوره ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۴ کالری کافی برای یک زندگی فعال دریافت نکرده‌اند. نکته نگران‌کننده

1. - Affordability Crisis
2. - Nutritional Poverty



ریسک تجارت و امنیت غذایی در جهان درس‌هایی برای ایران

این است که این رقم نسبت به دوره ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۶ (۴٫۶ میلیون نفر) افزایش یافته است. این بدان معناست که تأمین حداقل انرژی پایه برای بخشی از جمعیت، به جای بهبود، با چالش بیشتری روبرو شده است.

◀ **ناامنی غذایی متوسط یا شدید:** با وجود اینکه ۳۵٫۲ میلیون نفر در این وضعیت قرار دارند، روند کلی بهبود یافته است؛ این تعداد نسبت به دوره ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ (حدود ۴۰ میلیون نفر) کاهش یافته است. با این حال، همچنان بیش از یک سوم جمعیت کشور با سطحی از ناامنی غذایی مواجه هستند.

◀ **ناامنی غذایی شدید:** در این سطح بحرانی، ۵٫۳ میلیون نفر قرار دارند. این شاخص بهبود قابل توجهی را نشان می‌دهد، زیرا تعداد افراد در این وضعیت شدید نسبت به دوره ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ (حدود ۸ میلیون نفر) کاهش یافته است. این کاهش نشان‌دهنده موفقیت نسبی در جلوگیری از رسیدن بخش بیشتری از جمعیت به مرحله گرسنگی مطلق است.

◀ چالش‌های کلیدی احصاء شده:

▶ **تناقض در سطح انرژی:** بزرگترین چالش، افزایش سوءتغذیه کالری است، در حالی که وضعیت بحرانی‌ترین سطح (ناامنی شدید) بهبود یافته است. این تضاد نشان می‌دهد که تلاش‌های فعلی شاید در جلوگیری از سقوط به وضعیت اضطراری مؤثر بوده، اما در تضمین دسترسی به تأمین انرژی پایه کافی و مستمر برای همه ناکام مانده است.

▶ **گسترده‌گی شکنندگی:** با وجود پیشرفت‌ها، ۳۵ میلیون نفر همچنان در معرض ناامنی غذایی هستند، که حاکی از آسیب‌پذیری گسترده جمعیت نسبت به شوک‌های اقتصادی است.

۱-۶-۲-۳. وضعیت تغذیه کودکان (زیر ۵ سال)

◀ تحلیل وضعیت تغذیه کودکان زیر ۵ سال، تصویری از پیشرفت‌های نسبی در کنار چالش‌های باقی‌مانده ارائه می‌دهد.

◀ **در دو حوزه، روند بهبود مشاهده شده است:** کوتاه‌قدی با کاهش از ۴۰۰ هزار نفر در سال ۲۰۱۲ به ۳۰۰ هزار نفر در سال ۲۰۲۴، نشان‌دهنده موفقیت در کاهش سوءتغذیه مزمن است.

◀ همچنین، اضافه وزن کودکان با کاهش از ۳۰۰ هزار نفر (۲۰۱۲) به ۲۰۰ هزار نفر (۲۰۲۴)، یک پیشرفت مثبت در مدیریت رژیم غذایی محسوب می‌شود. با این حال، یک چالش جدی باقی است: لاغری مفرط که در حال حاضر ۳۰۰ هزار کودک (۴۰۳ درصد) را درگیر کرده است. این آمار نشان‌دهنده وجود موارد حاد سوءتغذیه است که نیازمند توجه و مداخله فوری برای جلوگیری از پیامدهای بلندمدت آن بر بقا و رشد کودکان می‌باشد.



چالش‌های احصاء شده از داده‌ها:

❖ **باقیمانده سوء تغذیه حاد (لاغری مفرط):** با وجود بهبود در کوتاه‌مدتی، همچنان ۳۰۰ هزار کودک دچار لاغری مفرط هستند که این وضعیت نشان‌دهنده وجود آسیب‌پذیری‌های حاد در دسترسی یا کیفیت رژیم غذایی در برخی مناطق یا گروه‌ها است و نیازمند مداخله تخصصی فوری است.

❖ **اهمیت حفظ روند مثبت:** روند کاهشی در کوتاه‌مدتی و اضافه وزن کودکان، اگرچه مثبت است، اما باید با دقت حفظ شود. چالش اصلی، اطمینان از پایداری این بهبودها در برابر شوک‌های اقتصادی و حفظ کیفیت تغذیه (جلوگیری از تبدیل شدن اضافه وزن به چاقی و حفظ وضعیت خوب کوتاه‌مدتی) است.

۱-۶-۲-۴. سلامت بزرگسالان و زنان

❖ بخش مربوط به سلامت تغذیه‌ای بزرگسالان و زنان، نشان‌دهنده یک دوقطبی نگران‌کننده در سلامت عمومی است. از سویی، چاقی در بزرگسالان با افزایش چشمگیر از ۱۱٫۲ میلیون نفر در سال ۲۰۱۲ به حدود ۱۵٫۵ میلیون نفر در سال ۲۰۲۴، وخامت شدیدی را تجربه کرده است. شاخص مذکور نشان‌دهنده تغییر سبک زندگی و الگوی غذایی (احتمالاً مصرف غذاهای ارزان‌تر اما پرکالری) است. این روند زنگ خطری جدی برای افزایش بار بیماری‌های غیرواگیر در کشور محسوب می‌شود.

❖ از سوی دیگر، کم‌خونی در زنان ۱۵ تا ۴۹ ساله نیز رو به وخامت گذاشته و تعداد مبتلایان از ۴٫۸ میلیون نفر در سال ۲۰۱۲ به ۶٫۲ میلیون نفر در سال ۲۰۲۴ افزایش یافته است، که مستقیماً به کیفیت پایین رژیم غذایی این گروه حیاتی و سلامت مادران مرتبط است.

❖ علاوه بر این، حمایت از تغذیه اولیه نیز تضعیف شده، به طوری که نرخ تغذیه انحصاری با شیر مادر از ۵۳٫۱ درصد در سال ۲۰۱۲ به ۴۷٫۴ درصد در سال ۲۰۲۴ کاهش یافته است. در مجموع، این بخش شاهد افزایش مشکلات ناشی از سوء تغذیه (چاقی) و کمبود ریزمغذی‌ها (کم‌خونی) همزمان با ضعف در ترویج بهترین شیوه‌های تغذیه نوزادان است.

چالش‌های احصاء شده از داده‌ها:

❖ **بحران چاقی و پیامدهای بلندمدت:** رشد سریع و مداوم چاقی در بزرگسالان (۱۵٫۶ میلیون نفر) یک چالش جدی بهداشت عمومی است که آینده سلامت و هزینه‌های درمانی کشور را تهدید می‌کند و نیازمند مداخلات گسترده در سیاست‌های غذایی و ترویج فعالیت بدنی است.





ریسک تجارت و امنیت غذایی در جهان درس‌هایی برای ایران

🔸 **تهدید سلامت باروری و نسل آینده:** افزایش کم‌خونی در زنان سنین باروری (۶٫۲ میلیون نفر) یک ریسک مستقیم بر سلامت مادران و نوزادان است و نشان‌دهنده نارسایی در تأمین ریزمغذی‌های حیاتی در این گروه جمعیتی است.

🔸 **ضعف در سیاست‌های ترویج تغذیه اولیه:** کاهش تغذیه انحصاری با شیر مادر، نشان‌دهنده نیاز به تقویت برنامه‌های حمایتی و آموزشی در حوزه سلامت مادر و کودک در دوره حیاتی ۶ ماه اول زندگی است.

۱-۷. جمع‌بندی و پیشنهادات

۱-۷-۱. خلاصه استدلال: گذار پارادایمی از کارایی ایستا به تاب‌آوری هوشمند

این گزارش با یک پرسش راهبردی آغاز شد: در عصر بحران‌های چندوجهی، چارچوب بهینه برای سیاست‌گذاری امنیت غذایی در مواجهه با ریسک‌های فزاینده تجاری چیست؟ تحلیل انجام‌شده در بخش‌های پیشین، پاسخی روشن به این پرسش ارائه می‌دهد: پارادایم سنتی، که بر حداکثرسازی «کارایی ایستا» و تأمین غذا از ارزان‌ترین منبع ممکن متمرکز بود، در دنیای پرریسک امروز، منسوخ، ناکارآمد و خطرناک است. شواهد نشان داد که ریسک‌های تجاری، ماهیتی چندلایه (ژئوپلیتیکی، ساختاری و خرد) داشته و از طریق کانال‌های مشخص اقتصاد کلان و انسانی، به بحران استطاعت‌پذیری و ناامنی غذایی در سطح خانوارها منجر می‌شوند. همچنین، نشان داده شد که سیاست‌های سنتی واکنش به این ریسک‌ها، اعم از «حمایت کور» داخلی و «حمایت‌گرایی بحران‌زا»ی خارجی، نه تنها در مهار بحران ناکام بوده‌اند، بلکه خود به تشدید آن دامن زده‌اند.

در مقابل این پارادایم، این گزارش چارچوب جدیدی تحت عنوان «تاب‌آوری هوشمند» را ارائه داد. جوهره این پارادایم، عبور از دوگانه کاذب «تجارت آزاد در برابر خودکفایی» و حرکت به سوی یک «استراتژی دو ستونی» یکپارچه است. (۱) تقویت تاب‌آوری در مبدأ از طریق ساختن یک بخش کشاورزی داخلی بهره‌ور و فناور، و (۲) مدیریت ریسک‌های باقی‌مانده از طریق دیپلماسی تجاری فعال و شبکه‌های حمایت اجتماعی مدرن. ستون اول، «مواجهه» کشور با ریسک را کاهش می‌دهد و ستون دوم، توانایی «جذب» شوک‌های اجتناب‌ناپذیر را افزایش می‌دهد. در قالب این پارادایم علاوه بر تحولات سیاست‌گذاری، در حوزه تولید تجارت نیز باید صورت پذیرد که البته حرکت در مسیر این تحولات نیازمند توجه به پتانسیل و ساختار تولید در بخش کشاورزی کشور و همچنین شاخص‌های کلیدی امنیت غذایی در ایران می‌باشد.



۱-۷-۲. توصیه‌های عملیاتی برای دسترسی مطمئن به غذا

نقشه تحول تولید، تجارت و سیاست‌گذاری در جهت بهبود امنیت غذایی کشور نیازمند توجه به الزامات و اقدامات زیر می‌باشد:

◀ **تحول در تولید (تقویت تاب‌آوری داخلی برای کاهش مواجهه با ریسک):** این راهبرد بر کاهش وابستگی به منابع خارجی پرسیک، نه از طریق انزوای تجاری، بلکه از طریق هوشمندسازی و کارآمدسازی تولید داخل، تمرکز دارد. براین اساس تغییر پارادایم در حمایت از کشاورزی ضروری است:

▶ گذار از حمایت قیمتی به سرمایه‌گذاری در بهره‌وری

- کاهش تدریجی اتکای سیاست‌ها به قیمت‌گذاری دستوری و یارانه نهادها
- بازتخصیص منابع حمایتی به کاهش هزینه واقعی تولید
- تقویت انگیزه سرمایه‌گذاری بلندمدت در بخش کشاورزی

▶ تمرکز بر کالاهای عمومی و زیرساختی بخش کشاورزی

- توسعه تحقیق و توسعه کشاورزی با تمرکز بر ارقام مقاوم به خشکی، شوری و تنش‌های اقلیمی
- گسترش آبیاری مدرن و ارتقای بهره‌وری مصرف آب و توجیه‌پذیر نمودن استفاده از تکنولوژی‌های مبتنی بر بهره‌وری آب و خاک با تاکید بر تقویت نظام‌های بهره‌برداری مشارکتی و تعاونی محور و الزام به تقویت و شفاف‌سازی قوانین حوزه قراردادهای رعایت حق مالکیت
- سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های ذخیره‌سازی، سیلوها و زنجیره سرد برای کاهش ضایعات پس از برداشت

▶ مدیریت فعال ریسک‌های اقلیمی و تولیدی

- استقرار بیمه‌های کشاورزی مبتنی بر شاخص به منظور جبران سریع خسارت‌ها
- ایجاد و تقویت صندوق‌های تثبیت درآمد برای کاهش نوسانات درآمدی تولیدکنندگان

▶ تقویت سرمایه انسانی

- ارتقای نظام ترویج کشاورزی و پیوند آن با فناوری‌های نوین و داده‌محور
- ایجاد مشوق‌های اقتصادی، نهادی و مالی برای ورود جوانان و دانش‌آموختگان به بخش کشاورزی
- تسهیل انتقال دانش، نوآوری و فناوری به واحدهای تولیدی از طریق تشویق به تولید مشارکتی



ریسک تجارت و امنیت غذایی در جهان درس‌هایی برای ایران

◀ **تحول در تجارت:** این راهبرد بر هوشمندسازی روابط تجاری در عصر بحران‌های چندوجهی و استفاده از ظرفیت‌های دوست‌سپاری و نزدیک‌سپاری تاکید دارد.

▶ **تحول تجارت از طریق دوست‌سپاری:** باید توجه داشت که ایران خارج از نظم اقتصادی غرب و تحت تحریم‌های گسترده قرار دارد؛ بنابراین «کشورهای دوست‌سپار ایران» الزاماً متحدان رسمی نیستند، بلکه کشورهایی‌اند که یا با ایران همسویی سیاسی دارند، یا در برابر فشار آمریکا انعطاف‌پذیرند، یا منافع اقتصادی‌شان ایجاب می‌کند با ایران همکاری کنند. در این چارچوب، چین قطعاً جزو مهم‌ترین کشورهای دوست‌سپار ایران است. چین شریک اصلی تجاری ایران، خریدار عمده نفت و تأمین‌کننده بسیاری از کالاهای صنعتی و واسطه‌ای است و در عمل نشان داده که حاضر است بخشی از هزینه‌های تعامل با ایران را بپذیرد. با این حال، دوست‌سپاری چین نسبت به ایران کاملاً عملگرایانه و منفعت‌محور است؛ پکن در مواقعی که هزینه‌های تحریمی بالا می‌رود عقب‌نشینی می‌کند و تعهد سیاسی بی‌قید و شرط ندارد. روسیه نیز در طیف دوست‌سپاری ایران قرار می‌گیرد، اما با ماهیتی متفاوت. روسیه بیش از آنکه شریک اقتصادی پایدار باشد، یک شریک سیاسی-امنیتی است. تقابل مشترک با غرب و تجربه تحریم، زمینه همکاری را فراهم کرده، اما در حوزه‌هایی مانند انرژی، روسیه رقیب ایران است و توان یا تمایل محدودی برای سرمایه‌گذاری بلندمدت و انتقال فناوری دارد. بنابراین روسیه را می‌توان دوست‌سپار سیاسی دانست، نه دوست‌سپار اقتصادی کامل. اما در بخش امنیت غذایی، روسیه به‌ویژه پس از جنگ اوکراین به یکی از تأمین‌کنندگان مهم گندم و غلات ایران تبدیل شده است؛ قزاقستان نیز نقش مکمل دارد. برزیل برای سویا و خوراک دام و هند برای برنج و شکر شرکای مهمی برای ایران هستند. وابستگی اصلی ایران به واردات خوراک دام و نوسانات بازار جهانی، ریسک متوسط اما پایدار ایجاد می‌کند. به طور کلی، سبد دوست‌سپاری غذایی متنوع‌تر از نفت است و انعطاف بیشتری دارد، اما همچنان در برابر شوک‌های بیرونی آسیب‌پذیر است.

▶ **تحول در تجارت از طریق نزدیک‌سپاری:** اگر این مفهوم را در مورد ایران و با تمرکز ویژه بر امنیت غذایی بررسی کنیم، معیار اصلی کشورها عبارت است از: دسترسی زمینی یا دریایی کوتاه، ظرفیت تولید محصولات غذایی یا نهاده‌ها، ثبات نسبی سیاسی و امکان تسویه مالی عملی. در این چارچوب، عراق یکی از مهم‌ترین گزینه‌های نزدیک‌سپاری برای ایران است. این کشور بازار مصرف بزرگ و زمین‌های کشاورزی قابل توسعه دارد و در صورت سرمایه‌گذاری مشترک می‌تواند در تولید غلات، سبزیجات و دام نقش مکمل ایفا کند. نزدیکی جغرافیایی، مرز زمینی گسترده و پیوندهای سیاسی مزیت بزرگی است، هرچند ضعف زیرساخت و ناپایداری سیاسی، ریسک‌هایی ایجاد می‌کند.



با این حال، برای تولیدات کم‌فناوری و تأمین کوتاه‌مدت غذا، عراق ظرفیت واقعی دارد. قزاقستان و ترکمنستان نیز، اگرچه همسایه مستقیم جنوبی نیستند، اما در منطق نزدیک سپاری ایران جای می‌گیرند، به‌ویژه در حوزه غلات. قزاقستان یکی از بازیگران مهم تولید گندم و جو است و دسترسی ایران از طریق دریای خزر یا مسیرهای ریلی امکان‌پذیر است. ترکمنستان نیز در محصولات زراعی و دامداری ظرفیت‌هایی دارد. مزیت اصلی این کشورها ثبات نسبی عرضه غلات و فاصله لجستیکی کوتاه‌تر نسبت به بازارهای دوردست مانند برزیل است. پاکستان گزینه مهم دیگری در نزدیک سپاری امنیت غذایی ایران است. این کشور دارای ظرفیت بالای تولید برنج، گندم، میوه و دام است و مرز زمینی مستقیم با ایران دارد. از منظر ژئوپلیتیکی، پاکستان سیاست موازنه دارد و همکاری غذایی با ایران معمولاً حساسیت کمتری نسبت به حوزه‌های انرژی یا امنیتی ایجاد می‌کند. ضعف زیرساخت و نوسانات سیاسی چالش اصلی است، اما برای کشت قراردادی و تجارت مرزی، پتانسیل بالایی وجود دارد. ترکیه نیز می‌تواند نقش نزدیک سپاری محدودی ایفا کند، به‌ویژه در صنایع غذایی، فرآوری و ذخیره‌سازی. این کشور زیرساخت کشاورزی و لجستیکی پیشرفته‌ای دارد، اما به دلیل همسویی نسبی با غرب و حساسیت به تحریم‌ها، شریک کاملاً مطمئنی برای تأمین پایدار نیست. بنابراین ترکیه بیشتر برای فرآوری و تجارت منطقه‌ای مناسب است تا تأمین راهبردی بلندمدت غذا. در سطح جنوبی، افغانستان از نظر جغرافیایی بسیار نزدیک است و در محصولات مانند گندم، حبوبات و دام ظرفیت بالقوه دارد، اما بی‌ثباتی سیاسی، ضعف نهادی و ریسک امنیتی باعث می‌شود نقش آن در نزدیک سپاری غذایی ایران محدود و پرریسک باشد. این کشور بیشتر می‌تواند مکمل مرزی باشد تا ستون اصلی امنیت غذایی.

◀ **تحولات در سیاست‌گذاری:** این راهبرد بر تغییر پارادایم از حمایت هزینه‌گرا به حمایت هوشمند با تاکید بر تاب‌آوری امنیت غذایی تاکید دارد. با توجه به محدودیت‌های مالی دولت، تداوم الگوی فعلی حمایت از بخش تولید و مصرف از منظر پایداری اقتصادی و اجتماعی قابل اتکا نیست. در این چارچوب، گذار به الگوی «حمایت هوشمند از تولید و مصرف» و تقویت تاب‌آوری زنجیره غذا ضروری به نظر می‌رسد. در خصوص توجه به این راهبرد، ذکر این نکته ضروری است که حتی با بهترین استراتژی تولید داخل، هیچ کشوری نمی‌تواند خود را به طور کامل از بازارهای جهانی جدا کند. همیشه میزانی از ریسک باقی می‌ماند. از این رو در اتخاذ و اجرای این راهبرد موارد زیر توصیه می‌شود:

▶ حذف تدریجی یارانه‌های کالایی غیرهفمند:

- کاهش حمایت‌های گسترده‌ای که منجر به اتلاف منابع، تحریف بازار و نابرابری در بهره‌مندی می‌شود.



🔑 جایگزینی با ابزارهای حمایت هدفمند و انعطاف‌پذیر:

- پرداخت نقدی هدفمند به دهک‌های آسیب‌پذیر
- اعتبار خرید برای اقلام غذایی منتخب
- استقرار نظام‌های حمایت شوک‌پذیر برای واکنش سریع به جهش‌های قیمتی

🔑 جهت‌دهی حمایت‌ها به کیفیت تغذیه:

- تمرکز بر بهبود وضعیت تغذیه‌ای گروه‌های حساس شامل کودکان، زنان باردار و سالمندان، به جای تمرکز صرف بر تأمین کالری.

🔑 اتخاذ سیاست تجاری هوشمند و پیش‌بینانه:

- تنوع‌بخشی به شرکای وارداتی برای کاهش ریسک تمرکز
- مدیریت فعال ذخایر استراتژیک کالاهای اساسی
- پرهیز از اعمال ناگهانی محدودیت‌های صادراتی یا وارداتی که به بی‌ثباتی بازار دامن می‌زند

🔑 اصلاح زنجیره ارزش کشاورزی و غذایی:

- کاهش واسطه‌گری ناکارآمد، توسعه قراردادهای کشاورزی، افزایش شفافیت قیمت و بهبود کارایی بازارهای عمده‌فروشی.
- تقویت زیرساخت‌های نگهداری و انبارداری کالاهای کشاورزی برای کنترل ضایعات
- تقویت رویکرد اقتصاد چرخشی و تکنولوژی‌هایی که استفاده از ضایعات محصولات کشاورزی را برای تأمین مواد مغذی خاک و یا تغذیه دام و طیور امکان‌پذیر می‌سازد

🔑 تقویت حکمرانی داده و نظام پایش:

- ایجاد داشبورد ملی امنیت غذایی، توسعه سیستم‌های هشدار زودهنگام برای شناسایی شوک‌های قیمتی، اقلیمی و عرضه.

🔑 تقویت هماهنگی نهادی:

- ایجاد یا تعیین مرجع واحد سیاست‌گذاری امنیت غذایی با مأموریت هماهنگی میان بخش‌های کشاورزی، تجارت، رفاه اجتماعی و سلامت.



منابع و مراجع

- Adamopoulos, T., Leibovici, F., 2025; Trade Risk and Food Security, Federal Reserve Bank of St. Louis Working Paper 2024-004. URL <https://doi.org/10.20955/wp.2024.004>
- Adamopoulos, T.; Restuccia, D. (2011). The Size Distribution of Farms and International Productivity Difference University of Toronto. Department of Economics. Working Paper 441.201
- Ahir, H, N Bloom, and D Furceri (2022), «World Uncertainty Index», NBER Working Paper
- FAO, IFAD, UNICEF, WFP and WHO. (2023). The State of Food Security and Nutrition in the World 2023: Urbanization, agrifood systems transformation and healthy diets across the rural–urban continuum. Rome, FAO
- International Food Policy Research Institute (IFPRI). 2023. Global food policy report 2023: Rethinking food crisis responses. Washington, DC: International Food Policy Research Institute (IFPRI). <https://doi.org/10.2499/9780896294417>
- WORLD TRADE REPORT (2024). Trade and inclusiveness How to make trade work for all.
- World Trade Organization (WTO). (Year of Publication). World Trade Report [Focus Title, e.g., Climate Change and International Trade or Spillovers from the War in Ukraine]. Geneva: WTO
- OECD/FAO (2023), OECD-FAO Agricultural Outlook 2023-2032, OECD Publishing, Paris, <https://doi.org/10.1787/08801ab7-en>.



مؤسسه مطالعات پژوهش‌های بازرگانی

معاونت پژوهشی

مدیریت یکپارچه‌سازی سیاست‌ها

تهیه کننده:

فهیمة بهرامی مهنه

همکار:

زورار پرمه

تاریخ انتشار:

بهمن ماه ۱۴۰۴



www.itsr.ir

اداره توانمندسازی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

مدیر و طراح گرافیک:

مهدی کشاورز افشار

صفحه‌آرا:

الهام اولیابک

نسخه دوم:

۱۴۰۴/۱۱/۰۶



موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی
The Institute for Trade Studies & Research

ریسک تجارت و امنیت غذایی در جهان
درس‌هایی برای ایران



موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

WWW.ITSR.IR

آدرس: خیابان کارگر شمالی، بالاتراز بلوار کشاورز، نبش کوچه همدان، پلاک ۱۲۰۴

تلفن: ۸۰-۶۶۴۲۳۳۷۸-۸۰ نمابر: ۶۶۹۲۹۶۳۴

info@itsr.ir



www.itsr.ir